



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

انترناسیونال ۴۴۱

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ۵ اسفند، ۲۴ فوریه ۲۰۱۲

anternasional@yahoo.com

سر دبیر: کاظم نیکخواه

جمعه ها منتشر میشود

پیامهای رسیده به کنگره حزب

کمونیست کارگری ایران

صفحات ۶-۷

کارزار دفاع از معیشت حیاتی است

دستمزدها باید فوراً افزایش یابد



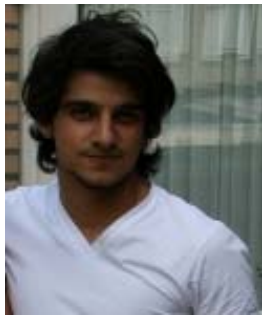
شهلا دانشفر

محمد ساکی بازرس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در گفتگویی با ایلنا اعلام کرد که شورای عالی کار به علت فشارهای سیاسی قادر به افزایش دستمزد نیست. او با بیان اینکه نرخ خط فقر در استان تهران یک میلیون و ۵۰ هزار تومان برآورد شده گفت که هم اکنون دستمزد کارگران با نرخ خط فقر بیش از ۶۰۰ هزار تومان فاصله دارد و شورای عالی کار قادر به افزایش دستمزد کارگران به این میزان نیست. و بالاخره آب پاکی بر روی دست همه ریخته و اعلام داشت که به علت وضعیت بحرانی واحدهای تولید پیش بینی میشود دستمزد کارگران در سال آینده براساس تورم واقعی بانک مرکزی تعیین نشود.

وقیح تر از محمد ساکی، عمادی معاون وزیر تعاون، کار و رفاه جمهوری اسلامی است. او مدعی است که با اجرای هدفمندی یارانه ها دیگر در ایران کسی زیرخط فقر شدید و درآمد کمتر از یک دلار در روز زندگی نمیکند. الحق که ایشان معاون وزیر رفاه برای جمهوری اسلامی و بدبختی و فلاکت برای مردم است. از نظر ایشان حقوق ماهانه ۳۰ دلار یعنی چیزی حدود ۳۶۰۰۰ تومان یعنی یک دهم حداقل دستمزد کنونی برای میلیونها خانواده کارگری کافی است. قبل از عمادی نیز در این زمینه پاسدار میلیاردر محصولی بعنوان وزیر رفاه وقت از اینکه کودکان در

صفحه ۴

انتظارات جوانترین نماینده کنگره از حزب



بابک خانی جوانترین نماینده کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری است. او بیست و یکسال دارد و دانشجوی رشته حقوق است. در تابستان سال ۲۰۰۹ یعنی حدود دو سال و نیم پیش عضو حزب شد. او در میان

و در یک سخنرانی کوتاه و شورانگیز گفت بحثهای کنگره چشم مرا به جهان باز کرد. او اکنون خود نماینده کنگره هشتم است. از او می پرسیم که انتظار او از کنگره و کلا از حزب چیست:
صفحه ۱۲

آشنایان و دوستان خود از محبوبیت و احترام بالایی برخوردار است. بارها در تجمعات برای مردم سخنرانی کرده و مورد استقبال قرار گرفته است. در کنگره هشتم حزب که در دسامبر ۲۰۰۹ تشکیل شد شرکت داشت

هشت مارس امسال بسیار ویژه است

گفتگوی تلویزیونی برنامه علیه تبعیض با مینا احدی

صورت برگزار بشود. مینا احدی: همانطور که شما هم اشاره کردید ۸ مارس امسال از نظر
صفحه ۳

میطلبد؟ بخصوص با توجه به اینکه زنان در شمال آفریقا و خاورمیانه امسال آن حالت زیر دست و مطیع بودن را شکستند

مهین علیپور: مینا احدی اولین سوال من اینست که با توجه به ویژگی ای که اوضاع امروز دارد کمپین ۸ مارس چه

جایگاه اعتصاب عمومی در انقلاب ۵۷

به بهانه سی و سومین سالگرد انقلاب بهمین ۵۷

در سالهای اخیر به نحوی در ایجاد محیط اختناق و ارباب دست داشتند در راس مطالبات سیاسی و رفاهی کارکنان بود. یکی از
صفحه ۸

کارکنان تلویزیون موفق شدند این صحنه ها را نشان دهند. موضوع از این قرار بود که کارکنان رادیو تلویزیون از اول آبان دست به اعتصاب زده و خواهان اجرای

اصغر کریمی روزهای دهم تا پانزدهم آبان اتفاقات مهمی افتاد. روز ۱۳ آبان ارتش وارد دانشگاه تهران شد و دانشجویان را به رگبار بست و

هشت مارس با پرچم افراشته تر رهایی جامعه

از راه میرسد!

صفحه ۱۲

صفحات دیگر

پیام اقبال مرادی پدر زندانی سیاسی محکوم به اعدام زانبار مرادی به کنگره حزب کمونیست کارگری ایران
صفحه ۶

رضا شهابی به زندان اوین انتقال یافت

صفحه ۱۱

دو روز اکسیون فیسوکی در اعتراض به احکام اعدام

صفحه ۱۱

دو خبر از اعتراضات کارگری در ایران

صفحه ۶

شکنجه زندانیان بیمار و...

صفحه ۹

فاشیسم جمهوری اسلامی و مهاجران افغان

بهر روز مهرآبادی

گذاشت. در این فیلم کوتاه نشان داده می شود که ماموران تعدادی از مهاجرین افغان را زندانی کرده و آنها را مورد توهین و تحقیر قرار می
صفحه ۱۰

هفته گذشته انتشار یک ویدئوی کوتاه در رسانه های اجتماعی صحنه دیگری از توحش اوپاش جمهوری اسلامی را در معرض دید مردم دنیا

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!

محمد شکوهی

سازش و جنگ جناحهای رژیم در مضحکه انتخابات

بهر روز مهرآبادی

تنهایی فرآیندها خامنه ای و تعمیق شکاف های

حکومت اسلامی!

هادی وقفی

صفحات ۵-۴

هشت مارس امسال بسیار ... از صفحه ۱



من کاملا ویژه است. ما سالهاست ۸ مارس برگزار میکنیم و سالهاست تا آنجاییکه به ایران برمیگردد در مورد مشکلات زنان حرف میزنیم. از حکومت اسلامی، قوانین اسلامی، حجاب و جداسازی جنسیتی و همه اینها. ما جریانی هستیم که حجاب سوزان را در ایران و کشورهای مختلف فراخوان داده ایم. و مجموعه بسیاری از فعالیتها را در دفاع از حقوق زنان انجام داده ایم. ولی امسال ما در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم که در کشورهای مختلفی از جمله مصر، لیبی، تونس و سوریه انقلابات و اعتراضات گسترده ای جریان دارد و زنان نقش بسیار مهمی در این اعتراضات داشته اند. حقیقت این است که ما سازمان و جریانی بوده ایم که از اول همیشه گفته ایم حکومتهای دیکتاتوری یا حکومتهای اسلامی یا باندها و سازمانهای اسلامی برخلاف آنچه رسانه های بورژوازی تصویر میکنند ابتدا شاخص تفکر و گرایش مردم در جوامع اسلام زده نیستند. و نمیتوانند نشان دهند که در آن جوامع مردم چگونه فکر میکنند و زنان چطور زندگی میکنند و یا چطور فکر میکنند. دولت‌های دیکتاتور چه دولت حسنی مبارک باشد چه حکومت‌های دیگری که در موردشان صحبت میکنیم همیشه از قوانین و سنت‌هایی دفاع میکنند که ضد زن بوده و زنان در این کشورها قربانیانی بوده اند که اتفاقا همیشه علیه این بی حقوقی مبارزه کرده اند. اتفاقی که الان افتاده است این است که در آن کشورها انقلاب شده است، انقلاباتی که توده عظیمی از مردم، زنان خیلی زیادی به خیابان آمدند، مثلا الان دیگر کم کم در مورد میدان التحرير کتاب نوشته میشود، خاطراتشان را مینویسند و خیلیها میگویند که آن چند روزی که مردم آنجا بودند روابطشان با یکدیگر خیلی محترمانه بوده زنان نقش خیلی فعالی داشتند و حرف میزدند و سخنرانی میکردند در مورد جامعه

ای که از آن دفاع میکنند و یا به امید آن جامعه ای که بودند. در هر حال امسال ما در این کشورها و ایران در شرایطی به استقبال ۸ مارس میرویم که شاهد انقلابات گسترده ای بودیم، دیکتاتورهای سقوط کردند، دیکتاتورهایی در حال سقوط هستند و بحث مسئله زنان، موقعیت زنان، بحث قوانین، بحث اسلام، بحث سنت‌های ضد زن همگی به روی میز آمده و میلیونها نفر در این موارد بحث میکنند. بنظر من مهم است که ۸ مارس امسال هم گسترده برگزار بشود و هم روی این مسائل تمرکز کنیم و هم تا آنجایی که به ایران برمیگردد راجع به ۸ مارس در ایران بطور ویژه تر صحبت کنیم.

مهین علیپور: بله شما در صحبت‌هایتان گفتید که زنان به چه صورت نقش داشتند در جنبش مردمی مصر و چطور فعالانه شرکت میکردند. دقیقا اینطور است. حتی ما زنانی را میدیدیم که نمیتوانستند راه بروند و کهنسال بودند ولی سعی میکردند در این جنبش و انقلاب شرکت کنند و حرف میزدند و در بین مردم غذا تقسیم میکردند و کارهای اینچنینی. ولی باز هم شاهد بودیم که بعد از آن در همان میدان که چطور جریاناتی که بعد روی کار آمدند زنان را سرکوب کردند. یعنی زمانی زنان دوشادوش مردها بودند، جلو میرفتند، حرکت میکردند، جلوی صف بودند، جنسیت دیده نمی شد، کور بود. ولی بعد دیدیم که آن تفاوت جنسیتی عمده شد. این خطر وجود ندارد که وضعیت برای زنان بدتر بشود بخصوص در رابطه با کشورهای شمال آفریقا؟

مینا احدی: بطور واقعی اتفاقی که الان افتاده این است که جنبش اسلامیه و بویژه اخوان المسلمین با عجله سعی کردند به همراه نظامیها باقیمانده حکومت قبلی يك انتخاباتی را سر هم بندی کنند با استفاده از تهدید و تطمیع و با استفاده از پول دادن و غیره و غیره رای گرفتند و يك مجلس بنظر من بسیار مضحك آنجا درست شده که اساسا دست خبرگزارها نشان میدادند که يك نفر در آنجا اذان میخواند و تا آنجایی که به موقعیت زنان برمیگردد چند نفر محجبه در آنجا حضور داشتند و همه اسلامی هستند و میخواهند قوانین اسلامی را در آنجا پیاده کنند. ولی

بنظر من بازی هنوز تمام نشده است. نه در مصر و نه در تونس. تظاهراتی که زنان همین چند روز پیش در تونس داشتند شعار اصلی همین بود که هنوز بازی تمام نشده است. این بنظر خیلی تپیک است. همین امروز خبر رسید که در مصر اعتصاب عمومی است. بطور واقعی معلوم است که در جامعه مصر و یا جامعه تونس گرایشات مختلفی وجود دارد و جنبش اسلامی آنجا سالهای سال در حاشیه دیکتاتورها بوده و سعی کرده با استفاده امکاناتی که از عربستان سعودی و یا از ایران و غیره میگیرند تهدید بکنند و ترور سازمان بدهند و سعی میکنند الان از اتفاقاتی که در آنجا افتاده نهایت سواستفاده را بکنند. بنابراین از نظر من این يك خطر است و زنان مترقی و مدرن و سازمانهای زنان این را میدانند و همین الان بر عیله آنها مبارزه میکنند. منتها به نظر من نتیجه این مبارزات با وجود اینکه هنوز معلوم نیست ولی باید کماکان از زنان و حقوقشان و سازمانهای زنان قاطعانه دفاع کرد. ما هم نباید فکر کنیم بازی تمام شده. ما هم باید بعنوان کسانی که علاقمند هستیم به سرنوشت مردم آنجا به ویژه بعنوان زنانی که از ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی این حرفها را میزنیم هم با علاقه این مسائل را تعقیب و پیگیری کنیم و هم کمک کنیم به جنبش مترقی زنان و هم بعنوان کسانی که ۳۰ سال ۳۲ سال زهر جمهوری اسلامی در تن آن جامعه ریخته شده، بعنوان کسانی که ۳۰ سال دیده ایم که حکومت اسلامی یعنی چه، بعنوان زنانی که از ایرانی که سر جنبش اسلامی در آن است سر ماری که باید همه جا نابود شود و از بین برود، حتما باید بلند شویم و با مردم و خواهران خودمان صحبت کنیم. خطر جنبش اسلامی را گوشزد کنیم. و من فکر میکنم که امسال ۸ مارس در عین حال باید یکی از تمها و مضوعات در ایران هم باید همین باشد. پیام همبستگی فرستادن به زنان در کشورهای اسلام زده.

در همین جا در عین حال اضافه کنم که انقلاب در ایران سال ۸۸ شروع شد و به آن کشورها رفت، الان دارد برمیگردد بعد از سوریه به ایران و من فکر میکنم تکلیف جنبش اسلامی نهایتا در ایران تعیین خواهد شد. بنظر من يك جنبش بسیار گسترده در ایران علیه حکومت اسلامی، علیه مذهب، علیه دخالت مذهب در دولت

وجود دارد و در ایران است که بنحوی اساسی با جنبش اسلامی تعیین تکلیف خواهد شد. و من امیدوارم امسال ۸ مارس مهر این حرکت را داشته باشد.

مهین علیپور: نقش زنان در این جنبشی که شما بتصور کشیدید به چه صورت خواهد بود بخصوص در ایران؟

مینا احدی: بنظر من زنان تا همین الان هم مبارزات گسترده ای کرده اند و از حق خودشان دفاع میکنند. بطور مثال وقتی زنانی از ایران به عنوان پناهنده و یا مهاجر به کشورهای مختلف میروند در بسیاری از موارد شنیده ایم که در مورد آنها میگویند خیلی از اعتماد بنفس بالایی این زنان برخوردار هستند. حقوق خودشان را بخوبی میشناسند و زنانی هستند که مبارزه کرده اند و حرمت آزادی را در این کشورها به رسمیت میشناسند. بطور واقعی در خود ایران زنان بسیار گسترده و هرروزه دارند مبارزه میکنند و مقابل قوانین اسلامی می ایستند. تا آنجایی فرضا به حجاب برمیگردد حکومت را شکست داده اند با وجود اینکه حکومت اسلامی وحشیانه ای سر کار است. شما در هر شهری از ایران بروید خیابان و مرکز خرید و غیره میتوانید ببینید آن چیزی که حکومت اسلامی میخواهد در ابعاد میلیونی زیر پا گذاشته میشود. زنان در ایران آن تصویر را شکستند که حکومت راجع به زندگی‌شان و روابطشان و عاطفه شان و رختخوابشان تصمیم بگیرد. همه اینها به درجاتی در ابعاد اجتماعی پاسخ گرفته است. بنظر من زنان قهرمانانه بر علیه جمهوری اسلامی مبارزه میکنند. نکته دیگری که هست و شما هم به آن اشاره کردید مثلا علیا ماجده در مصر لباس خود را درآورده و برهنه عکسهای خود را در تمام دنیا گذاشت و همه این را دیدند و یا گلشیفته فرحانی این کار را کرده است. اینها همه بنظر من نوك يك كوه یخ است. اینها يك گوشه هایی از اعتراضات زنان به بی حقوق خودشان در این کشورهاست که بطور گسترده ای جریان دارد. و از این نظر هم تابو شکنانه بود حرکت در یکسال گذشته و زنان خیلی جلو آمدند. ما صد در صد از این اتفاقات و حرکت‌هایی نظیر حرکت علیا بعنوان بروزات خشم و انزجار زنان علیه قوانین اسلامی، علیه زن ستیزی

اسلامی و علیه بی حقوقی که اسلاميون سعی میکنند به زنان تحمیل کنند، دفاع کردیم و دفاع میکنیم.

مهین علیپور: در ادامه همین حرکت علیا ما دیدیم که بسیاری از فعالین زنان این کار را کردند بخصوص آنهایی که پیشینه ایرانی نیز نداشتند این کار را کردند این حمایت را کردند و بعد هم دیدیم که گلشیفته این کار را میکند، شما این را بصورت يك جنبش مبینید؟ و اگر کسی بخواهد پیام این حرکت را بگیرد که تابو شکنی قسمت اعظم آن است در ایران به چه صورت باید دنبال کرد؟

مینا احدی: طبعاً در مورد همین مسئله که زنانی برهنه در رسانه ها ظاهر میشوند و یا عکس برهنه خود را پخش میکنند له و یا علیه آنها خیلی حرفها زده شده و خود این بحثها بسیار مهم بود. مثلا تا آنجاییکه به گلشیفته برمیگردد مثلا من خودم در کلیپی راجع به این مسئله صحبت کردم روزانه هزار نفر دارند این کلیپ را نگاه میکنند و صدها کامنت گذاشته اند. خود این پلتفرمیست که آدمها در مورد آن نظر میدهند. تمام داستان سر همین است که زن انسان است و راجع به روابط خودش و راجع به لباس پوشیدنش، راجع به بیرون رفتنش، راجع به کار کردنش و راجع به تمام مسائلی که به زندگی يك انسان برمیگردد، در سطح خصوصی، در سطح اجتماعی و در سطح سیاسی و فرهنگی خودش باید بتواند تصمیم بگیرد. جمهوری اسلامی این حق را از زنان گرفته و با گفتن اینکه ما داریم از شما حفاظت میکنیم و یا حمایت میکنیم در حقیقت تمام حقوق زنان را در طول این مدت زیر پا له کرده است. منتها در مقابل آن اعتراض وجود دارد و حتی اگر يك زنی می آید برهنه عکس و یا فیلم میگیرد ما این را در يك متن و زمینه سیاسی میگذاریم و میگیریم که میزند زیر تمام قوانین ارتجاعی که حکومت سعی میکنند این را به او تحمیل کند. به نظر من همه این اتفاقات و مباحثات نشان میدهد که ایران آستان تحولات مهمی است. مسئله زنان در آنجا مهم است، جنبش گسترده ای در دفاع از حقوق زنان وجود دارد. خود زنان و دختران جوان در ایران کاملا

کارزار دفاع از معیشت ...

ایران همانند کودکان در رواندا شکمشان از گرسنگی برآمده نیست، بسیار خشنود بود. این خوابی است که این حضرات برای زندگی جمعیت میلیونی کارگر و کل جامعه در سر میپروارند.

جمهوری اسلامی با این سخنان دارد آشکارا و مثل همیشه تصمیم خود برای انداختن بار بحران و ورشکستگی اقتصادی اش را به گروه کارگر و کل مردم برملا میکند. منتهای اتفاق تازه اینجاست که با گسترش تحریم ها و تنش های جنگی بن بست های اقتصادی جمهوری اسلامی به جایی کشیده شده است که کل اقتصاد جامعه را فلج کرده است.

از جمله هم اکنون ابعاد گرانی و تورم به حدی رسیده است که دیگر سخن گفتن از میزان خط فقر و تورم مبنایی ندارد، چون قیمت ها ساعتی افزایش یافته و قدرت خریدی برای مردم به جا نمانده است. خودشان دارند از در پیش بودن قحطی در جامعه سخن میگویند. دارند از

احتکار اجناس و خارج شدن نقدینگی ها از بازار سخن میگویند. مساله نپرداختن دستمزد کارگران نیز که سالهاست به نرم شرایط کاری در جهنم جمهوری اسلامی تبدیل شده، اکنون بعد دیگری بخود گرفته و کار به جایی رسیده است که دستمزد کارگر را نمیدهند، چون از جمله با پولش ارز میخرند، و این دستمزدها منبع دزدی و غارت زندگی کارگران است. در کنار همه اینها ما با موجی از بیکارسازی ها روبرو هستیم و سخن از ورشکستگی بیش از هفتاد درصد کارخانجات است و امسال را سال بیکارسازیها نامیده اند.

طبعاً علت همه اینها هم روشن است. علت رسیدن جمهوری اسلامی به ته خط و بحران سیاسی آن است. مناقشه دول غرب و جمهوری اسلامی نیز بیش از هر وقت بالا گرفته و غرب میکوشد از حربه تحریم اقتصادی و پیش کشیدن گزینه جنگ استفاده کند تا جمهوری اسلامی را در موقعیت بسیار ضعیف تری پای میز مذاکره بکشاند.

جمهوری اسلامی نیز ایستاده و رجز خوانی میکند و در این میان زندگی و معیشت کل جامعه را هزینه کرده و برای خود وقت میخرد. در چنین شرایطی است که با فروپاشی اقتصاد کل جامعه روبرویم و نه تنها خبری

از صفحه ۱

از افزایش دستمزدها نیست، بلکه دارند کارگران را دسته دسته از کار اخراج میکنند. در اخبارشان حتی از این خبر میدهند که غذای کافی برای بیماران در بیمارستان ها وجود ندارد و مدارس بسیاری بخاطر کمبود گاز و سوخت به تعطیلی کشیده شده اند. در يك کلام این وسط این کارگران و کل مردم هستند که دارند قربانی میشوند و این حیات کل جامعه است که به مخاطره افتاده است. بدین ترتیب گفتمانی که امروز جانیان اسلامی بر سر تعیین میزان حداقل دستمزد برای سال آتی به راه انداخته اند را باید در متن چنین شرایطی و در عین حال بر محور تعرض گسترده ای که بر معیشت کارگران و کل جامعه در دستورشان گذاشته اند، دید.

کارزاری که باید سراسری شود

باید به حاکمین به صراحت گفت که ما حاضر نیستیم بار بحران شما را به دوش بکشیم. برای مقابله با چنین تهاجمی که نتیجه اش میتواند نابودی زندگی کارگران و فرزندان آنها باشد، نیاز حیاتی به کارزاری گسترده و سراسری در دفاع از معیشت و زندگی کل جامعه است. کارزاری که کارگران در صف مقدم آن قرار دارند و يك محور مهم چنین مبارزه ای، مبارزه برای خواست افزایش دستمزدهاست.

سخنان محمد ساکی بیان واقعی وضعیت بحرانی رژیم اسلامی و اوضاع و احوال امروز جامعه است. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی میکوشد زیر چماق سرکوب کارگران و بخش عظیم جامعه را به بردگی و تباهی مطلق بکشاند، چون مساله بر سر هست و نیستش است. تنها پاسخ برای مقابله با چنین ابعادی از فقر و فلاکت و کنار زدن فشار تحریم ها و سایه بختک جنگ از سر جامعه، گسترش مبارزات مردم علیه جمهوری اسلامی در تمام عرصه ها و در راس آن اعتراضات سراسری کارگری است.

اینجاست که بیش از پیش روشن میشود که امروز مبارزه کارگر برای دستمزدش، مبارزه کارگر در برابر تهاجمات هر روزه حکومت به زندگی و معیشتش چه جایگاه سیاسی مهمی دارد.

واقعیت اینست که در برابر فقر و

فلاکتی که حکومت اسلامی بر گروه جامعه حاکم کرده است جامعه حالتی انفجاری بخود گرفته و مردم در کمین فرصتی هستند که به این جهنم جمهوری اسلامی خاتمه دهند. سران رژیم نیز وحشت زده تر از هر وقت از خیزش مردم و تکرار انقلابات منطقه بر علیه حکومتشان به تکاپو افتاده اند. بویزه جنبش اعتراضی کارگری همواره يك عرصه دائمی نبرد با این رژیم بوده و ابعاد هر روزه و وسعت این مبارزات باعث شده که امروز نیز بطور واقعی نقش مهمی در فعال نگاهداشتن بیش از پیش فضای سیاسی جامعه داشته باشد. جنبشی که هر روز گسترش بیشتری یافته و با کشیده شدن دامنه اش به مراکز کلیدی کارگری، در موقعیت بسیار مناسبی برای تبدیل شدن به جنبشی سراسری و قدرتمند قرار دارد. در چنین شرایطی تنها پاسخ برپایی کارزاری قدرتمند در دفاع از حق زندگی و معیشت در برابر جانیان اسلامی است و جنبش اعتراضی کارگری میتواند با خواست افزایش دستمزدها پرچمدار چنین مبارزه ای در سطح جامعه باشد.

به عبارت روشنتر امروز مبارزه برای افزایش دستمزدها يك محور کلیدی جنگ بر سر معیشت و زندگی در برابر جمهوری اسلامی است. هیچگاه جانیان اسلامی با این صراحت در مورد فقر و سطح غیرقابل تحمل معیشت کارگر و دستمزدش سخن نگفته اند که امروز دارند سخن میگویند. از خط فقر و خط قحطی و همه اینها سخن میگویند و به چشم کارگر و مردم نگاه میکنند و میگویند خبری از افزایش دستمزد نیست.

خصوصاً اکنون در ماه پایانی سال و موعد اعلام میزان حداقل دستمزدها برای سال آتی ما شاهد این هستیم که "کمیته مزد" جمهوری اسلامی و مسئولین جورواجور خانه کارگر و شورای اسلامی و غیره روضه خوانیهایشان بر سر نرخ تورم و سبذ هزینه کارگر و غیره بالا گرفته است. بگنیم همه آنچه را هم که بعنوان ارقام کارشناسی شده خط فقر و غیره اعلام میکنند هیچ ربط واقعی به سطح معیشت واقعی مردم و خط فقر واقعی در جامعه ندارد. اینها دارند تمام زورشان را میزنند که بگویند، اوضاع بحرانی است و از افزایش دستمزد خبری نیست. این جانیان چماق بیکاری را بالای سر

کارگر گرفته اند و یکی میگویند افزایش دستمزد باعث بیکاری کارگران میشود، دیگری از تعیین دستمزد بر مبنای محاسبه وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی سخن میگویند و حتی پیشرومی را به جایی رسانده اند که اندر وصف "صرفه جویی کارگر در نرخ هزینه هایش" و بالا بردن بارآوری کارش سخن میگویند.

در مقابل کارگران خواهان افزایش فوری دستمزدهایشان هستند. از جمله يك محور اعتراضات هزاران کارگر پتروشیمی ماهشهر با خواست کوتاه شدن دست پیمانکاران افزایش سطح دستمزدهایشان است. در همین مدت اعتراضاتی نیز از سوی کارگران راه آهن در شهرهای مختلف با همین خواست بوده ایم. کارگران میگویند حتی با دو میلیون تومان دستمزد نیز نمیتوان زندگی کرد و خواهان افزایش فوری سطح دستمزدهایشان هستند و این را در گفته ها و بیانیه های آنان میتوان وسیعاً دید. در همین مدت همچنین شاهد بیانیه هایی از سوی بازنشستگان بوده ایم که در آن خواهان افزایش سطح دستمزدها و دیگر خواسته های رفاهی خود شده اند.

مبارزه برای خواست افزایش دستمزدها يك عرصه مهم اعتراض در دفاع از معیشت و زندگی برای کارگران و کل جامعه است. این مبارزات را باید سراسری و گسترده

سنت شکن هستند، کاملاً تابو شکن هستند، کاملاً يك زندگی دیگری را دارند پیش میبرند و همه اینها ظرفیتهای مثبت بسیاری را ایجاد کرده است که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی ایران میتواند جامعه ای باشد که در آن اولاً در قوانین برابری زن و مرد به رسمیت شناخته شود ثانیاً زنان حق خودشان را بگیرند و زندگی انسانی ای را در آینده ایران داشته باشند.

مهمین علیسپور: دقیقاً. جمهوری اسلامی میگوید زنان مثل مرورید هستند و میدانیم که مرورید هم در صدف است که از آن محافظت کند! و زنان هم يك لگد گنده میزنند و "صدف" را خرد میکنند. فقط مینا جان میتوانید بگویید خود شما در این ۸ مارس چه کار خاصی انجام خواهید داد؟

مینا احدی: یکی از کارهای خاصی

تر کرد. در این مبارزه کارگران مراکز کلیدی، کارگران نفت و بخش های متمرکز کارگری نقشی کلیدی دارند و هم اکنون نیز زمزمه های اعتراض در میان این کارگران را میتوان شنید. این نقش رهبران و فعالین کارگری است که به تدارک اعتصابات گسترده و سراسری با خواست افزایش دستمزدها و در دفاع از معیشت و زندگی کارگران و کل جامعه بروند.

در يك کلام جنبش علیه تهاجمات اقتصادی رژیم به زندگی و معیشت کارگران و جامعه، فی الحال جریان دارد و میتوان گفت که جنبشی گسترده است. جنبشی است که نه تنها کارگران بلکه معلمان، پرستاران و بخش های وسیعی از جامعه را در بر میگیرد. جنبشی است که هزاران کارگر بازنشسته و بخش وسیعی از جوانان بیکار و کارگرانی را که از کار بیکار شده اند را در بر میگیرد. این جنبش را باید سازمان داد. باید کل این گفتمان و برپایی کارزاری قدرتمند در دفاع از معیشت و زندگی و با خواست فوری افزایش دستمزدها را به گفتمان مجامع عمومی کارگری و تصمیم گیری وسیع و گسترده کارگران و کل جامعه تبدیل کرد. انند که میتوانند در برابر تهاجم گسترده جمهوری اسلامی به زندگی و معیشت خود و کل جامعه بایستند. این نبرد تعیین کننده است، به استقبالش برویم.*

هشت مارس امسال بسیار ... از صفحه ۲

که میکنیم قرار است شهرداریهای مختلفی که در ایتالیا از سکنیه دفاع کردند قرار است کنفرانسی سازمان بدهند آنجا اگر بتوانیم يك کنگره جهانی علیه سنگسار، يك بیانیه برای اینکه نقطه پایان گذاشته شود به سنگسار خواهیم داشت و چندین جا در سخنرانیهای مختلف دعوت شده ام که شرکت میکنم و امیدوارم ۸ مارس ما مجموعه سازمانهای علیه تبعیض یا سازمانهای مختلف بتوانیم برنامه های متنوعی را داشته باشیم چون ما همیشه دفاع کرده ایم از حقوق زنان و امیدوارم امسال هم بتوانیم بدرخشیم و بتوانیم مجموعه برنامه هایی در سراسر جهان و ایران سازمان دهیم.

(از نازیلا صادقی که این گفتگو را برای نشریه انترناسیونال پیاده کرده اند سپاسگزاری میکنیم)

بازتاب هفته

سازش و جنگ جناحهای رژیم در مضحکه انتخابات



بهروز مهر آبادی

برگزاری مضحکه انتخابات مجلس نهم اسلامی همانند دوره های پیشین صحنه جدال باندهای مختلف جمهوری اسلامی برای تصرف سهم بیشتری از قدرت بود. دعوای تصرف پست ریاست جمهوری در خرداد ۸۸ و علنی شدن شکاف های عمیق درون نظام این فرصت را برای مردم بوجود آورد که به خیابانها بریزند و پایه های حکومت را به لرزه درآورند. این خیزش انقلابی با سرکوب وحشیانه رژیم روبرو شد. ابعاد سببیت و توحش بکار رفته در این سرکوب بی سابقه بود. حتی نزدیک ترین همکاران و مخلصان حکومت با ابراز کوچکترین مخالفت و نارضایتی مورد تهاجم قرار گرفته، به زندان افتاده و توسط یاران قدیم خود مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. دور جدید جدال بر سر تصاحب کرسی های مجلس در حالی شروع شد که از همان ابتدا شبح جنبش سرنگونی بر فضای انتخاباتی حاکم بود و این را می توان ویژگی مهم این دوره منازعات درون نظام دانست.

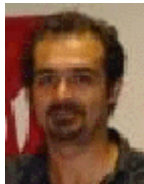
در حالی که ولی فقیه با تکیه به "قدرت الهی" خود تلاش داشت، رئیس جمهور "امام زمانی" را محدود کند، رئیس دولت اسلامی بیکار ننشسته بود و به کمک پول حاصل از درآمد نفت و اهرم های اجرایی دولت، خود را برای بیرون درآوردن مجلس از دست حریف آماده می کرد. دعوای این دو باند مافیایی فرصتی برای هاشمی رفسنجانی و دار و دسته اش بوجود آورد تا موقعیت خود را بعنوان سرکرده باند های ناراضی داخل نظام و اصلاح طلبان تقویت کند. جبهه متحد اصولگرایان که در سال ۸۶ توسط خامنه ای برای مقابله با باند هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان بوجود آمد، در اردیبهشت ۸۷ پایان کار خود را اعلام کرد اما از اوایل سال ۸۹ ظاهراً برای پایان دادن به

بفهماند که نفوذی روی شورای نگهبان ندارد و در عین حال گوشه چشمی به دار و دسته احمدی نژاد نشان دهد. او در همان سخنرانی گفت: "اینهایی که رد صلاحیت شده اند، لزوماً فاقد صلاحیت نیستند. ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده اشتباه کرده باشد، ممکن است برای مقام دیگری صلاحیت داشته باشد." صفوف بهم ریخته باند خامنه ای و تزلزل او به جبهه پایداری جرئت داد که یک بروشور ۸۰ صفحه ای تبلیغاتی به نام "استقامت در منطقه ممنوعه ۲" انتشار دهد که در آن به مهدوی کنی حمله شده است. جبهه متحد اصولگرایی در اعتراض به این جزوه بیانییه صادر کرد. حسین شریعتمداری که سخنگوی غیر رسمی خامنه ای بشمار می رود در عنوان یک مقاله خود خطاب به بقیه راهزنان نوشت: "سرگردنه کشتی نگیرید" و روز سوم اسفند در مقاله دیگری وحشت و نگرانی خود را از اینکه "اختلافات به بعد از انتخابات مجلس نهم نیز کشیده شود"، بیان کرد.

اسامی بسیاری از افراد رد صلاحیت شده، اعلام نشده است. همچنین تعدادی از افراد سرشناس نظام عملاً از لیست جبهه اصولگرایان و جبهه پایداری حذف شده اند. بنظر می رسد در مقابل خطری که از طرف مردم متوجه نظام است و از سوی دیگر بخاطر حذف باند هاشمی رفسنجانی، خامنه ای ناچار شده است با باند احمدی نژاد سازش کند و کسانی را که در راس حملات به دولت بوده اند از مجلس کنار بگذارد. اما با وجودی که شورای نگهبان می تواند تا روز ۲۴ اسفند یعنی روز "انتخابات" هر کاندیدایی را رد صلاحیت کند، بنظر می رسد که دار و دسته رئیس جمهور و مصباح یزدی تلاش خواهند کرد تا موقعیت خود را در مجلس آتی مستحکم تر کنند. در کنار دعوای جناحهای رژیم فشار امنیتی و نظامی هر لحظه بر مردم بیشتر می شود. فرماندهان اوباش نظامی - امنیتی و لباس شخصی های رژیم عربده کشی خود را بسوی مردم افزایش داده و حتی کاندیداهای عضویت در مجلس اسلامی را هم تهدید کرده اند تا مبادا تبلیغاتشان فرصتی برای دخالت مستقیم مردم بوجود آورد.

اختلافات در درون نظام همچنان ادامه دارد و صف بندی ها و موازنه قوا بین باندهای مافیایی درون

تنهایی فراینده خامنه ای و تعمیق شکاف های حکومت اسلامی!



هادی وفاقی

هفته گذشته "عباس نبوی"، رئیس "موسسه تمدن و توسعه اسلامی" و عضو موسسه امام خمینی (موسسه ای که زیر نظر محمدتقی مصباح یزدی رهبر فکری و پدر معنوی جبهه پایداری اداره می شود)، طی یک سخنرانی در جمع انصار حزب الله تهران - همان نیروهای اجبر شده و قمه کش خامنه ای و پسرش مجتبی برای سرکوب مردم - خبر از نامه ای داده است که خامنه ای طی آن به اعضای مجلس خبرگان رهبری یادآور شده که "دخالت خبرگان را در جزئیات نمی پذیرد!" این عضو رهبری انصار حزب الله که متن سخنانش متعاقباً در نشریه "یالثارات" انتشار یافته، به نقل از خامنه ای آورده است که "یا او را همانطوریکه هست، بپذیرند و یا او را به کل از رهبری حذف کنند چون وظیفه خبرگان نظارت بر شرایط کلی رهبری است!"

روزهای آخر حکومترانی دیکتاتورها همزمان است با تلاشی و بی اعتبار شدن گام به گام ساختار سیاسی و نهادهای تصمیم گیری شان. شرایطی که گویا در آن افشاگری مقامات در مورد اختلاس ها، دزدی ها و جنایاتشان به پدیده ای معمول و متعارف در فضای رسانه ای و عمومی جامعه تبدیل می شود و باینحال، سیستم سیاسی روز بروز با خطر سرنگونی بیشتر مواجه می شود اساساً به این دلیل که دیکتاتورها دیوانه می شوند. هذیان می گویند و اوج ظرفیت آدمکشی شان را برای حفظ منافع باآورده شان به نمایش میگذارند! به این دلیل که آن خلصت اساسی انسانها، تحقیر و بی حقوقی را نمی پذیرد و در نهایت برای بزیز کشیدن نظم کهن پیا می خیزد و تمام اینها را "عباس نبوی" و همه اطرافیان و دست پروردگان بیت ولایت فقیه بخوبی می دانند و به همین دلیل برای نجات ولی فقیه و آشکار ساختن اوج توحش و توانش در خودرایی،

سرکوب و دیکتاتوری پیا خاسته اند. ریشه ها و زمینه های افشاگری عضو شاخص انصار حزب الله تهران اما، به بسیار پیشتر از اینها بازمی گردد و باید گفت حداقل به بیشتر از دو سال پیش یعنی به فرادای انتخابات نمایشی ریاست جمهوری سال ۸۸. به فرادای آن باصلاح انتخابات مسخره ای که پس از آن خامنه ای دیگر آن ته مانده آبرو و حیثیتش را در میان اطرافیان و نزدیکانش از دست داد. از همان هنگامی که مردم در خیابانها بر علیه شخص خامنه ای، پسرش مجتبی و "اصل ولایت فقیه" شعار دادند. پس از آن انتخابات بود که خامنه ای - با دستورات مستقیمی که با هدف کشتار و شکنجه مردم و جوانان صادر کرد - همراه با خودش، کل نظام اسلامی را نیز گام ها به سرنگونی نزدیک ساخت. خامنه ای با دستور به قتل فرزندان مردم، از همان زمان میان طرفداران و اجیرشدگان خود باعث و بانی تشتت، بلاتکلیفی و بی سرانجامی شد و با برخوردش نسبت به اعتراضات مردم، شکاف های جمهوری اسلامی را عمیق تر ساخت و غیرقابل ترمیم تر. همان شکاف هایی که "علی مطهری"، نماینده مردم تهران و منتقد سیاست های دولت در مجلس در مصاحبه اش با روزنامه "شرق" به آنها اشاره می کند. فرزند "مرتضی مطهری"، نظریه پرداز انقلاب اسلامی در گفتگوش با روزنامه شرق اعتراف می کند که "در داخل جریان اصولگرایی از دو سال پیش شکاف افتاده است" و اینکه "اگر اصولگرایی این است، من اصولگرا نیستم!"

همین دغدغه ها و نگرانی هایی را که خامنه ای در میان طرفدارانش موجب شده است، "عبدالحسین نواب"، عضو مرکزی جامعه روحانیت مبارز در گفتگوش با سایت "خبر آنلاین" به گونه دیگری هشدار می دهد. نواب البته برای پنهان نگاه داشتن شکاف های جمهوری اسلامی از "رهبران جدید" سخن می گوید! رهبرانی که می خواهند ولایت فقیه را توجیه، ترمیم و بزک کنند. عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز می گوید "رهبران جدید وارد جریان اصولگرایی شده و اصولگرایی در حال پوست انداختن است!" نواب همچنین به واقعیت عمیق دیگری هم اشاره می کند و ضمن هشدار به مقامات مذهبی و خطوط قرمزی که

بازتاب هفته

رویدادهای منطقه در یک نگاه!



محمد شکوهی

سوریه: تظاهرات بزرگ در دمشق و ادامه توپ باران حمص

حملات وحشیانه ارتش سوریه برای در هم شکستن مقاومت و مبارزه مردم حمص وارد هجدهمین روز خود شده است. در طول این مدت رژیم با سلاح های سنگین این شهر را زیر آتش گرفته است. در ادامه این جنایات بر اثر بمبارانهای ارتش روز سه شنبه هجدهمین هفته ۷۵ نفر کشته و بیش از ۳۰۰ نفر زخمی شده اند. بنا به گزارش های منتشر شده در اثر ادامه گلوله باران حمص روزانه ۱۰ کودک کشته میشود. شهر تقریباً به ویرانه تبدیل شده است. در منطقه بابا عمرو در شهر حمص مقاومت و مبارزه مردم بر علیه نیروهای رژیم اسد ادامه دارد. بر اساس آخرین گزارشات از آغاز بمباران و محاصره شهر حمص از تاریخ ۴ فوریه تا روز پنجشنبه ۲۱ فوریه نزدیک به ۱۰۰۰ نفر از مردم که در میان آنها دهها کودک نیز دیده می شود، کشته و هزاران نفر زخمی شده اند. این شهر که نزدیک به دو هفته در محاصر وحشیانه ارتش و نیروهای سرکوبگر اسد قرار دارد، با کمبود جدی امکانات پزشکی، درمانی و کسب و کار بیمارستانی و مایحتاج عمومی مواجه می باشد. نیروهای مخالف رژیم اسد و گروههای امداد بین المللی اعلام کرده اند که در حمص يك فاجعه انسانی در حال شکل گرفتن است. گروههای مخالف رژیم اسد از مجامع جهانی خواهان اعمال فشار بر رژیم اسد برای عدم ممانعت از امداد رسانی به مردم این شهر شده اند. صلیب سرخ جهانی اعلام کرده است که در "تلاش برای مذاکره با طرف های درگیر در سوریه" برای دادن امکان ارائه امداد رسانی برآمده است. در دمشق پایتخت سوریه و اواخر هفته گذشته بزرگترین تظاهرات ضد حکومتی برگزار گردید. دهها هزار نفر از مردم ضمن شرکت در تظاهرات

در "میدان تحریر" دمشق که محل استقرار ارگانهای امنیتی و نظامی رژیم می باشد، تجمع کرده و شعار سرنگونی حکومت اسد را دادند. نیروهای امنیتی و اطلاعاتی رژیم علیرغم تلاش و تفرقه افشانی برای سرکوب مردم دمشق، موفق به جلوگیری از تظاهرات مردم نشدند. این تظاهرات بیش از ۳ ساعت ادامه داشت. در جریان تظاهرات مردم در مناطق مختلف دمشق اقدام با آتش زدن لاستیک و ایجاد سد معبر برای جلوگیری از نقل و انتقال نیروهای سرکوبگر کرده و تاکتیک محاصره و سرکوب آنها را خنثی نمودند. عصر همان روز نیروهای امنیتی بخش هایی از محلات دمشق را که در آن تظاهرات برپا گردیده بود، محاصره کرده و اقدام به خانه گردی و دستگیریهای گسترده مردم کرده اند. بر اساس اخبار و گزارشات دهها نفر دستگیر شده اند. دولت روسیه که از رژیم اسد حمایت میکند، اعلام کرده است که در تلاش برای ارسال "فرستاده ویژه این کشور" به سوریه برای پیدا کردن راه حلی برای "بحران سوریه" می باشد. هفته گذشته مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه ای در محکومیت نقض حقوق بشر در سوریه، تصویب کرد و از رژیم اسد خواست تا به کشتار مردم خاتمه بدهد. تلاش های گروه های آزادیخواه و نیروهای مخالف رژیم اسد در خارج از کشور ادامه دارد و در فشار دولتهای آمریکا و کشورهای اروپایی بر رژیم اسد، تاثیر داشته است. اما رژیم اسد همچنان به سرکوب وحشیانه مردم ادامه می دهد. در این هفته مقامات مختلف جمهوری اسلامی بر ادامه حمایت از رژیم اسد تاکید کرده و خبر از گسترش روابط "اقتصادی" با رژیم سوریه دادند. در همین رابطه قرار داد لغو تعرفه های گمرکی میان دو رژیم امضا شد. جمهوری اسلامی و خامنه ای بارها تاکید کرده اند که به سیاست حمایت از رژیم اسد ادامه خواهند داد. در خبری که عصر روز چهارشنبه این هفته از طرف سخنگوی دولت آمریکا منتشر شد، حاکی است که آمریکا احتمال کمک به مسلح کردن مخالفان رژیم اسد را بررسی نموده و طرح کمک تسلیحاتی به مخالفان رژیم اسد را در دست دارد. پرونده جنایات رژیم سوریه هر روز

سنگین تر می شود و آمار کشته شدگان، مجروحین و دستگیر شدگان توسط رژیم سوریه افزایش می یابد.

مصر: محاکمه مبارک ادامه دارد!

دور دیگری از محاکمه مبارک و اعضای بلند پایه رژیمش این هفته در قاهره دوباره از سر گرفته شد. اتهام مبارک صدور فرمان کشتار مردم و سرکوب اعتراضات مردم مصر می باشد. مبارک و اعضای دولتش تا کنون تمام اتهامات وارده را رد کرده اند. مبارک و دولتش متهم هستند که در جریان آغاز انقلاب مردم مصر بیش از ۸۰۰ نفر را کشته اند. بر اساس اطلاعاتی دادستانی مصر قرار است روز چهارشنبه ۲۲ فوریه آخرین دفاعیات وکلای مبارک در دادگاه قرائت شده و بعد از آن دادگاه برای صدور حکم اقدام خواهد کرد. در همین رابطه مصطفی سلیمان دادستان دادگاه خواهان "اشد مجازات" برای مبارک و ۴ نفر دیگر از اعضای دولتش شده است.

یمن: برگزاری انتخابات، معاون صالح رئیس جمهور شد!

به دنبال توافقات قبلی بین رژیم صالح و سازمان ملل، انتخابات وعده داده شده در یمن برگزار گردید. براساس توافقات قرار بود قدرت به منصور معاون صالح واگذار شود و انتخابات برگزار گردید. بعد از گذشت نزدیک به سه ماه از اعلام این طرح، روز سه شنبه این هفته انتخابات حکومتی برگزار شد. در جریان برگزاری انتخابات حکومتی اعتراضات مردم بر علیه دولت جدید ادامه داشت. در واکنش به برگزاری این نمایش انتخاباتی فعالان جوان و تشکل های مخالف به خیابان ها ریخته ضمن تظاهرات بر علیه دولت جدید، خواهان دستگیری و محاکمه صالح شده، انتخابات را فرمایشی توصیف کرده و شرکت در این انتخابات را مردود دانستند. مخالفان صالح و دولت جدید برنامه انتقال قدرت به معاون صالح را که در جنایات و سرکوبهای رژیم صالح دست داشته است، محکوم کرده و اعلام نمودند که منصور رئیس جمهور جدید و صالح باید همگی از حکومت بروند. خواست مردم دستگیری و محاکمه صالح و اعضای رژیمش به اتهام دست داشتن در سرکوب اعتراضات مردم می باشد.*

تنهایی فراینده خامنه ای و ...

از صفحه ۴

نظارت بر عملکرد رهبری می گویند و قنچر مسخره و ساده اندیشانه در شرایطی که شخص ولی فقیه، منافع تمام اطرافیان و نزدیکانش را بخاطر انداخته است!

باید گفت خامنه ای و تمام بیت ولایت فقیه در ایران بطور روشن و آشکاری دیگر به دردمندی برای جمهوری اسلامی تبدیل شده که هم با تعفن و جنایت و فساد که در همه جا گسترش داده، اساساً به مانعی برای حفظ و تداوم خود رژیم اسلامی تبدیل گشته و هم ستون فقراتی است که کنار رفتنش، نابودی کل نظام اسلامی را در پی خواهد داشت. و به خاطر همین هم هست تمام نگرانی ها و ترس های دیکتاتور مفلوک که سبب و نماد تمام مصیبت ها و بدبختی هایی بشمار می رود که سی سال است جمهوری ولایت فقیه اسلامی بر گرده مردم در ایران تحمیل کرده است. به همین دلیل است شاخ و شانه کشیدن هایش در مقابل مجلس خبرگان نمایشی که اعضایش، اجیرشدگان و منصوب شدگان خودش در نهادهای مختلف دزدی و غارت مملکتند. بر همین اساس است که می گوید "یا باید او را همانطوریکه هست بپذیرند و یا او را به کل از رهبری حذف کنند چون وظیفه خبرگان نظارت بر شرایط کلی رهبری است! اظهاراتی از سر استیصال و تنهایی از همان نوعی که تمام دیکتاتورها در آخرین روزهای حکومتی شان بر زبان می آورند. تلاش برای نجات "جزئیات" بساط دیکتاتوری که ادامه حیات منحوسش را امکانپذیر می سازند. رژیم اسلامی بار دیگر از درون فرو ریخته است!

سازش و جنگ جناحهای رژیم در ...

از صفحه ۴

ریاست جمهوری و دولت، مجلس های مختلف، قوه قضائیه و ارگانهای مختلف سرکوب و غارتگری آن لکه کشیفی بر جهان متمدن امروز و مورد تنفر مردم ایران هستند. تناقض ها و اختلافات درون جمهوری اسلامی از ماهیت وجودی آن ناشی می شود. نگرانی حسین شریعتمداری بی مورد نیست. کشمکش ها بطور قطع بلافاصله بعد از مضحکه انتخابات شدت ادامه خواهد یافت.*

زیر پا گذاشته شده اند، اشاره می کند "حرف هایی که اگر زمانی اصلاح طلبان می زدند، تعجب می کردیم، الان اصولگرایان می زنند!" و منظور، اعترافات و اظهارات از سر ناچاری ذوب شدگان در ولایت فقیه و جمهوری اسلامی در مقابل بحران مشروعیت کل نظام و بحران انقلابی است که در کمین کل این بساط نمایشی نشست است! منظور، اشاره به اعترافات نزدیکترین دست پرورده های خامنه ای در مورد خطر فروپاشی و سرنگونی است. اعترافات دیرهنگام مقاماتی که از "نظارت بر ولی فقیه"، "پست اندازی" اصولگرایان و شکاف در میان حاکمیت می گویند و با این همه تلاش می کنند تمام این بحران مشروعیت و ترس و هراسشان از سرنگونی محتوم را با انواع و اقسام بازیهای سیاسی و نمایش هایی که میتوان گفت گرته برداری مسخره و مزخرفی از باصطلاح دموکراسی غرب است، لاپوشانی کنند. تلاش می کنند در کشاکش این همه بحران از "نظارت بر عملکرد رهبری" و وظایف خبرگان بگویند تا شاید بتوانند جامعه و مردم را راضی نگاه دارند. سی سال است که حکومت ولایت فقیه و نمایندگان خدا بر زمین، ماشین دزدی و کشتار کار می کند و هیچ کس رهبر را به پرسش نکشیده است. برعکس، این ولی فقیه بوده که دستور دزدی، آدمکشی و شکنجه داده و احکام حکومتی صادر کرده است و امروز، حتی نزدیکترین نزدیکانش و کسانی که با احکام و دستورات مستقیم شخص او، اینجا و آنجا مناصب داشته و نمایندگی اش را بر عهده دارند، همه و همه دارند از حکومت در حال تغییر است. موضوع اصلی دعوی این روزها تصرف صندلی های مجلس است. اما در نظر مردم ترکیب این مجلس برای مردم تفاوتی نمی کند، بلکه دعوای و زدوخوردهای درون آن است که جالب و قابل توجه است! با فضای کنونی که هیچ باندی نتوانسته است دیگری را از میدان بدر کند بطور قطع مجلس بعدی داغ ترین مجالس جمهوری اسلامی خواهد بود. جمهوری اسلامی و دستگاههای حکومتی آن همچون ولایت فقیه،



زنده باد برابری کامل زن و مرد
 نابود باد آپارتاید جنسی
 نه به حجاب اسلامی
 نه به حکومت مذهبی و ضد زن
 حزب کمونیست کارگری ایران

مارس، نه به آپارتاید جنسی، نه به حجاب، نه به تبعیض، نه به قوانین ضد زن، زن و مرد با هم برابرند و سیعا به استقبال هشت مارس برویم.

کشیدن کل جامعه توسط يك اقلیت مفتخور و ستمگر است. در روز جهانی زن با صدای رسا این توهین و تحقیر نفرت آور را محکوم کنیم! هشت مارس روز انسانیت است. گرامیداشت این روز شاخص این واقعیت است که زنان و کل مردم ایران این آپارتاید جنسی و ضد زن را نپذیرفته اند و نخواهند پذیرفت. در این روز جمع شویم. تظاهرات کنیم. تجمعات بزرگ و کوچکمان را برپا کنیم. در هر کجا که هستیم و به هر شکلی که میتوانیم باید کاری کنیم که روز هشت مارس (۱۸ اسفند) فضای جامعه رنگ و بوی دیگری بخود بگیرد. با شعار زنده باد هشت

گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن

هشت مارس را با عزم به زیر کشیدن نظام آپارتاید جنسی وسیعا

زن و مرد انسانند و با هم برابرند. آنانکه همین حقیقت ساده و روشن و بدیهی را بر نمی تابند و با زور و توحش سرکوب میکنند و به عقب میروند، آنان که از سنتها و قوانین وحشیانه عهد عتیقی دفاع میکنند، نیروهای منفور و مرتجع هستند که به دنیای مدرن و انسانی تعلق ندارند. جای حکومت ضد زن در زباله دان تاریخ است. این حکومت و کل جریانات و نیروهایی که زن را تحقیر شده و زندانی حجاب

زنان و مردان آزاده!
 ما میلیونها نفریم! ما همه مردمیم! ما قدرتمندیم! ما اکثریتیم! بیاخیزیم و قاطعانه از حقوق انسانی و برابر زن و مرد دفاع کنیم. بیاخیزیم و به کل قوانین ضد زن قاطعانه نه بگویم. ستم و تبعیض علیه زنان آشکارا ابرازی برای به بند

سپاسگزاری دارد. امیدوارم سربلند و موفق باشید.

سناریو نویسی خود، خواهان اجرای حکم اعدام زانیار می باشد. از حس انساندوستی شما و از شیوه تفکر شما که بدور از هیچ حصار تشکیلاتی و حزبی در رابطه با زانیار و سایر زندانیان آنچنان تلاش های انسان دوستانه میکنید من را تحت تاثیر قرار داده و این تلاش شما واقعا جای تقدیر و تشکر و

کنید. موفقیت و سربلندی را برای تک تک شما آرزومندم. من اقبال مرادی پدر زندانی محکوم به اعدام زانیار مرادی هستم جمعی از رفقا مرا می شناسند که از چه زمانی دست به مبارزه علیه نظام جمهوری اسلامی زده ام و حال با توجه به شرایطی که برای زانیار پیش آورده اند رژیم بهر صورتی با پرونده سازی و

پیام اقبال مرادی پدر زندانی سیاسی محکوم به اعدام زانیار مرادی به کنگره حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره همانند سایر کنگره های شما با دستاوردهای تازه و جدی در مبارزه شما علیه رژیم جهل و سرمایه جمهوری اسلامی همراه باشد و شما در امر مبارزه با بیدادگری این نظام پوسیده، مضمم تر و قاطعانه تر عمل

قبل از هر چیز امید است سلام و درود مرا به عزم راسخ شما نسبت به مبارزه طبقاتی علیه رژیم جهل و سرمایه پذیرا باشید. خبری در رابطه با کنگره حزبی شما دریافت کردم امیدوارم که این

با تشکر فراوان
 اقبال مرادی پدر زانیار زندانی محکوم به اعدام
 ۲۳ فوریه ۲۰۱۲

است. در چنین شرایطی، جنبش کمونیستی به طور عموم در سراسر جهان و کمونیسم کارگری به طور اخض در ایران مسئولیت تاریخی دارد. رفقای عزیز! فضای روحی توده ها در ایران جدا از فضای حاکم بر دیگر مناطق جهان نیست. انقلاب در ایران ادامه دارد. حتی از بسیاری جنبه ها، شرایط عینی و ذهنی مردم ایران آمادگی بیشتری برای يك انقلاب بزرگ را دارد. امروز جنبش کارگری، جنبش های زنان، دانشجویان، جوانان، بیکاران و دیگر بخش های جامعه آماده اند تا در بزنگاهی تاریخی از روی نعش حکومت سرمایه داری اسلامی رد شوند. در چنین شرایطی، کمونیسم کارگری به هیچ روی اجازه و فرصت اشتباه ندارد. توسعه آگاهی طبقاتی

جنبش ۹۹ درصدی ها در امریکا، به منزله پیروزی بزرگی برای جنبش کارگری در تمام جهان است و اهمیت سیاسی ضربه ای که به وسیله جنبش اشغال، به بورژوازی امپریالیستی غرب و نوچه های وردست آن در کشورهای پیرامونی وارد می شود، صد بار بیشتر از همان ضربه در صورتی که در آسیا، آمریکا لاتین و یا افریقا وارد می شد، می باشد. کنگره در شرایطی برگزار می شود که موجی از اعتراض طبقه کارگر، نیویورک تا آتن و قاهره تا دورترین مناطق جهان را فراگرفته است. این اعتراض علیه تمامی نهادهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بورژوازی است و مراکز مالی و بورس، بانک ها، دولت، پلیس، طویله پارلمان بورژوازی و ... را در بر گرفته

کمونیست ها هم نمی گنجید و در سده های اخیر تنها دو سلسله انقلاب دیگر در چنین مقیاس وسیعی روی داده اند. امروز نه فقط خاورمیانه در کار دگرگونی های بی سابقه ای است، بل در مراکز اصلی سرمایه داری اعتراض و تظاهرات های وسیعی علیه بردگی مزدی و بربریتی که سرمایه به جهان تحمیل کرده، در حال انجام است. رفقا! باید بسیار خوشحال باشیم که هم عصر جنبش اشغال مراکز مالی سرمایه داری هستیم. این جنبش با وجود ضعف هایی که دارد، در طول تمام عمر سرمایه داری، نخستین جنبشی است که در پیشرفته ترین کشور سرمایه داری علیه کلیت این نظام اجتماعی شکل گرفته است. هر گام از پیشروی

به شرکت کنندگان در کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران
"من به حزبم امیدوارم"
 رفقای عزیزم! گرم ترین سلام های مرا از راه دور و از کردستان پذیرا باشید. دو سال از برگزاری کنگره هفتم، کنگره ای که با "مانیفست انقلاب ایران" شناخته می شود، می گذرد. کنگره ی قبلی در شرایطی برگزار شد که شش ماه از آغاز انقلاب ایران گذشته بود، انقلابی که در روز 6 دی 88 رژیم جمهوری اسلامی را تا لبه پرتگاه سقوط برد. امروز تمام جهان در تب و تاب انقلاب است. در طی دو سال اخیر، جهان شاهد سلسله انقلاباتی بوده که حتی در باور خوش بین ترین

کارگران شد و به بیمه تامین اجتماعی ابلاغ کرد که برای بازنشستگی کلیه کارگران واجد شرایط اقدام کند. بیش از ۹۰ درصد کارگران مخابرات راه دور شیراز واجد شرایط بازنشستگی هستند. یکی از کارگران در این رابطه گفت: حقوقهای عقب مانده هنوز پرداخت نشده تا نگیریم دست از خواسته هایمان بر نمی داریم

موقت آبنامه سالجاری از کار اخراج شدند
کارگران مخابرات راه دور شیراز، حکومت اسلامی را تا حدودی عقب راندند
 پس از ماهها اعتراض و تجمعهای پی در پی کارگران مخابرات راه دور شیراز در تهران و شیراز؛ سرانجام دولت مجبور به پاسخگویی بخشی از مطالبات

فرمانداری شهر ساوه پیگیر مطالبات خود شدند اما بدلیل عدم حضور فرماندار به نتیجه ای نرسیدند و بار دیگر روز ۲۶ بهمن به فرمانداری مراجعه کردند و تا لحظه انتشار خبر در ساعت ۴ بعدازظهر همچنان در فرمانداری ساوه حضور داشتند.
 در ادامه آمده است: این کارخانه ۲۹۰ کارگر رسمی و قراردادی دارد که همگی کارگران قراردادی

شهر ساوه زدن و در نتیجه این اقدام آنان جاده قدیم ساوه تهران مدتی مسدود شد. بدنبال این حرکت اعتراضی از سوی کارگران، فرماندهان انتظامی شهرستان ساوه در میان آنان حاضر شد و با قول رسیدگی به خواسته های کارگران از آنها خواست نماینده های خود را به فرمانداری ساوه بفرستند. در ادامه این خبر آمده است صبح روز ۲۵ بهمن ۱۶ نفر از نماینده های کارگران با حضور در

راهپیمائی کارگران چینی اسپیدار در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان
 بنا به خبر منتشر شده در سایت اتحاد روز ۲۴ بهمن کارگران کارخانه چینی اسپیدار از ساعت ۱ و نیم بعدازظهر روز دوشنبه همان هفته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود، از شهر صنعتی کاهه دست به راهپیمایی به سمت

پیامهای رسیده به کنگره ۸ حزب کمونیست کارگری ایران

پیام سمیر نوری عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری چپ عراق



به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران

با سلام!

کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در شرایطی برگزار میشود که دنیا وارد دورانی تازه شده است. ما مثل یک جنبش کمونیستی در ابتدای دهه هشتاد قرن گذشته میتوانستیم آنرا فقط در خواب ببینیم. امروز میلیونها انسان به خیابان آمده اند، انقلاب در همه جا شعله ور شده است. بورژوازی در دنیا بدون آلترناتیو است. نظم نوین جهانی با شکست مواجه شده است. سرمایه داری بازار آزاد دچار بحران شده است. جنبش ملی و اسلامی در منطقه در هیچ دوره ای به

اندازه امروز بی آبرو و بی اعتبار نبوده است. امروز طبقه کارگر در حال به میدان آمدن است. توده های وسیع مردم به میدان آمده اند. حاکمیت و تخت و تاج بورژوازی را به لرزه در آورده اند. امروز روز همه انقلابیون و کمونیستها و روز حزب منصور حکمت است. ما امروز در دورانی قرار داریم که باید نقش خود را ایفا کنیم. ما هیچوقت به اندازه امروز در مقابل مسئولیت سنگین قرار نداشته ایم. امروز وظیفه ما است که مثل رهبر انقلاب در میدان باشیم.

برگرداری کنگره حزب برای پاسخگویی به این شرایط است. من معتقدم که این حزب میتواند نقش رهبری خود را ایفا کند و پاسخ انقلابی به این اوضاع بدهد، همچنانکه تا کنون این نقش را ایفا کرده است. این حزب تا کنون توانسته است که ابتکار و خلاقیت به جنبش کمونیسم کارگری ببخشد. راهی که منصور حکمت برای ساختن یک دنیای بهتر قدمهای اولیه آنرا تعیین کرد.

اندازه امروز آنرا نشناخته و محتاجش نیست برگزار می شود. اگر امروز اختناق و سرکوب هنوز اجازه ابراز وجود و شرکت علنی و عملی ما هزاران نفری که در داخل ایران مشتاقانه این حزب را از آن خود می دانیم را نمی دهد، یک ذره از این حقیقت نمی کاهد که این حزب محرومان است، این حزب تپیدستان است و این حزب همه کارگران، زنان، جوانان و مردمی است که ۳۳ سال است زیر تیغ کشتار و نابودی یک حکومت به غایت فاشیستی قرار دارند، اما همچنان مانند حزبشان، با امید به آینده ای بهتر در تلاشند و همین امید و تلاش است که امروز جنایتکارترین مهره های این

رفقا!

من خیلی دوست داشتم به عنوان یکی از نمایندگان حزب از نزدیک با تک تک شما دیدار داشته باشم و از این خیلی خوشحال میشدم. دوست داشتم در سرنوشت کنگره و حزب شریک باشم. اما به دلیل مشکل مالی این امکان فراهم نشد. من قلبا آرزوی موفقیت کنگره را دارم. اعضا و کادراهای حزب کمونیست کارگری چپ عراق در داخل عراق چشم به راه و انتظار موفقیت کنگره حزب کمونیست کارگری ایران هستند. امیدواریم این کنگره تکوان جدیدی در جهت پیشروهای کمونیسم در منطقه ایجاد کند.

در پایان ضمن افتخار به این حزب، خودم را برای عضویت در کمیته مرکزی کاندید میکنم. دست همه شرکت کنندگان در کنگره را میفشارم پیروز باید کنگره حزب کمونیست کارگری ایران

سمیر نوری، ۱۶ فوریه ۲۰۱۲

حکومت با وجود همه دستگاههای سرکوشان امیدی به بدر بردن این حکومت را از دست مردم ندارند

رفقای عزیز

برگزاری هشتمین کنگره حزب را به همه شماها تبریک میگوئیم و امیدوارم این کنگره بتواند راههای ریز چگونگی به زیر کشیدن حکومت اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد و برابر و انسانی را نه تنها پیش پائی حزب، بلکه یک جامعه هفتاد میلیونی، تشنه آزادی و رفاه قرار دهد.

زنده باد حزب کمونیست کارگری ایران، زنده باد سوسیالیزم آزاد احمدی از ایران

پیام حزب کمونیست ایران به کنگره هشتم

به رفقای حزب کمونیست کارگری ایران

با گرمترین درودها!

پیشاپیش از اینکه نتوانستیم در پاسخ به دعوت شما، در کنگره تان حضور پیدا کنیم پوزش میخواهیم. بدینوسیله به همه رفقای شرکت کننده در کنگره درود می فرستیم و برایتان برگزاری کنگره موفق را آرزو میکنیم.

رفقا!

جامعه ایران شرایط دشوار و در عین حال حساسی را از سر میگذراند. کارگران و اکثریت مردم ایران از یک سو روزگار اقتصادی طاقت فرسا و شرایط زندگی دشواری را سپری میکنند و از سوی دیگر مرعوب سرکوبگری دشمن نشده اند و از روحیه مقاومت و مبارزاتی بالائی برخوردار هستند. نیروها و جریانات بورژوازی اپوزیسیون رژیم که امیدوارند روزی با کمک

امپریالیستها در ایران به قدرت برسند، قادر به پاسخ دادن به نیازهای حیاتی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مردم نیستند و در شرایط فعلی هیچگونه مقبولیت اجتماعی هم ندارند. در چنین وضعیتی کمونیستها و کارگران پیشرو از فرصت و امکان تاریخی مساعدی برای تغییر توازن قوای طبقاتی و سیاسی به نفع طبقه کارگر در متن تحولات سیاسی آتی برخوردار هستند. چنین شرایطی حداکثر همکاری، هماهنگی و همگرایی را از نیروهائی که خود را در جبهه طبقه کارگر و مبارز راه تحقق برنامه و آرمانهای کمونیستی می بینند، می طلبد.

همکاری و اتحاد عمل فعالین و پیشروان رادیکال در درون جنبش های اجتماعی در ایران و اتحاد عمل های مبارزاتی بین نیروهای سیاسی چپ و کمونیست، می تواند به شکل گیری یک قطب سیاسی چپ در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و در مقابل کل نیروهای رنگارنگ اپوزیسیون بورژوازی منجر شود. گسترش این نوع همکاری ها و بر بستر آن شکل گیری یک قطب سیاسی چپ در جامعه زمینه ها و فضای سیاسی مناسب تری برای دیالوگ و جدال سیاسی و نظری بر سر مسائل اساسی تر را در بین نیروهای دخیل در سرنوشت این جنبش ها فراهم می آورد.

ما تفاوت در دیدگاهها، در تاکتیک ها و در سبک کار این نیروها را برسمت میشناسیم، ما میدانیم داورها و قضاوت در مورد گذشته هر کدام از این نیروها، وجود روحیات و سنتهای جان سخت سکتاریستی و غیره، هر کدام به نوعی به تداوم پراکندگی درون جریان چپ و کمونیست ایران کمک کرده اند. اما ما این مشکلات واقعی را به معنی عدم امکان شکل گیری یک قطب سیاسی چپ نمیدانیم. از نظر ما ارزیابی سیاسی نزدیک به هم این نیروها در مورد شرایط سیاسی کنونی جامعه ایران، نقطه عزیمت مهمی در جهت رفع موانع بر سر راه این روند است. ما امیدوار هستیم و انتظار داریم که کنگره شما با روشن بینی و واقع بینی به این مسئله پردازد و به سهم خود در زمینه رفع موانع بر سر راه ایجاد قطب سیاسی و مبارزاتی چپ در ایران گام بردارد. باردیگر کنگره موفق را برایتان آرزو میکنیم.

کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران
۲۱ فوریه ۲۰۱۲

بیشتری با ما همراه شوند، آرزوی کنگره ای که جامعه را تکان بدهد و با درود به تک تک شما ازنده باد آزادی و برابری!

منصور ترکاشوند

۳ اسفند ۹۰



لطفای بجای من هم بر سر عوامل نابرابری و اسارت انسان فریاد بزنید، لطفای به جای من هم به همه عالم سیاست بگویید که انسانهایی هستند که میدانند و رنج این دانستن را میکشند و دیگر نمی خواهند بیش از این رنج و این مدل بودن را تحمل بکنند! لطفای و به رسم رفاقت مرا کنار خودتان حس بکنید با آرزوی کنگره ای موفق با آرزوی کنگره ای که طی آن رفقای خیلی

گرامیست، آنقدر شورانگیز و شیرین است که به تک تک شما حسادت میکنم! رفقا افتخار بودن در کنگره و کنار شما فعلا نصیب من نشده است و حسرت جلد بر سر تک تک مباحث کنگره و یاد گیری راه و روش این جدلها در کنگره نمایندگان بشریت متمدل بدل من مانده است به همین دلیل حسادت می کنم. لازم نیست انسان این همه رنج بکشد تا پیاموزد، لطفای جای مرا خالی بکنید!

به کنگره آزادی و برابری!

باشند، پرس کرده باشند و عصاره انسانیتش را کشیده باشند، دنیا را میشود ورق زد و این حقایق تکان دهنده را دید، امروز می توان دنیای سیاست را ورق زد و این حقایق را باچشمان خود دید. رفقا شاید شرکت در کنگره برای شما عادی شده باشد اما بودن در کنگره چنین حزبی آرزوی دیگریست، برای من آنقدر بزرگ و

تناقض عجیبیست، دنیایی به این بزرگی رامیشود یک روزه دور زد و دید که رادیکالترین حزب آزادی و برابری این دنیا، رادیکالترین حزب کمونیستی این دنیا از متن جامعه ای که نابرابری خواه ترین و استبدادی ترین رژیم سیاسی ممکن را دارد بیرون زده است! انگار که بشریت متمدل را لای گیره گذاشته

جایگاه اعتصاب عمومی در ...

از صفحه ۱



دیگری میشد.

اکنون اعتصاب نه تنها در نفت که همه جا جریان دارد. صفحات مختلف روزنامه ها پر از اخبار اعتصاب است. حرکت جدیدی در میان کارگران شروع شده بود و آن راهپیمایی در مراکز شهرها بود که امکانی میداد مردم به آنها ملحق شوند و همبستگی خود را با آنها اعلام کنند. از جمله روز چهار آبان سه هزار کارگر ماشینی سازی اراک دست به راهپیمایی زدند و هزاران معلم، دانش آموز و کارگران دیگر مراکز به آنها ملحق شدند و یک راهپیمایی بزرگ ۱۴ هزار نفری شکل گرفت. در این مقطع وزارت دادگستری نیز یکی از مراکز مهم اعتصاب بود. روز ۱۴ آبان عده کثیری از کارمندان این وزارتخانه در خیابان مقابل دادگستری اجتماع کردند و ضمن طرح خواسته های خود شروع به شعاردادن از جمله "۱۷ شهریور روز ننگ است" کردند. وکلا و قضات دادگستری نیز در ساعت ۱۱ صبح به آنها پیوستند. کارکنان این وزارتخانه خواست های خود را در شش ماه به شرح زیر اعلام کردند:

- ۱- لغو حکومت نظامی
- ۲- آزادی کلیه زندانیان سیاسی
- ۳- انحلال مراحل اختصاصی ارتش
- ۴- انحلال مجلس سنا و شورای ملی
- ۵- بازگشت همه تبعید شدگان
- ۶- محاکمه عاملین کشتار مردم سندیکی رانندگان و کارگران و کارمندان شرکت واحد تهران نیز روز ۱۴ آبان اعلام اعتصاب کرد و اعلام کرد که تا رسیدن به خواست های خود اعتصاب ادامه خواهد یافت. آزادی زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، مجازات عاملین جنایت دانشگاه تهران، مجازات سوء استفاده کنندگان در شرکت واحد و افزایش دستمزدها از جمله خواسته های کارگران و کارکنان اعتصابی شرکت واحد بود. کارکنان و خلبانان هواپیمایی ملی با خواست های سیاسی و کارکنان شرکت ملی گاز از هفتم آبان در همبستگی با کارکنان

نفت و با خواست های رفاهی دست به اعتصاب زدند. کارکنان دخانیات مجدداً اعتصاب را شروع کردند. کارکنان سازمان آب تهران هم در اعتصاب به سر میبردند. مدارس و دانشگاه ها در سراسر کشور اکثراً در حال اعتصاب و راهپیمایی و تظاهرات بودند.

اینها فقط نمونه هایی از اعتصابات و خواست های آنها بود. ابعاد اعتصاب بسیار گسترده بود. خواست های اعتصابیون در این مقطع از آزادی زندانیان سیاسی و لغو حکومت نظامی و محاکمه عاملین جنایت تا انحلال مجلسین را در بر میگرفت. مهار اوضاع از دست دولت خارج شده بود. ادارات در سراسر کشور کاملاً فلج شده بود و بسیاری از کارخانه ها در اعتصاب به سر میبردند. همه جا اعتصاب و کم کاری و بحث و تجمع و قطعنامه نویسی در جریان بود.

موج اعتصابات و تظاهرات ها و ناتوانی دولت در خاموش کردن آنها، منجر به سقوط دولت شریف امامی و تشکیل کابینه نظامی ازهارای شد. اولین اقدام دولت ازهارای رادیو تلویزیون و فرستادن مامورانی به روزنامه های اصلی کشور برای پس گرفتن آزادی های بدست آمده بود تا مانع درج آزادانه مطالب و اخبار شود. تعدادی از نویسندگان و روزنامه نگاران را نیز دستگیر کردند. عکس العمل کارکنان روزنامه ها دست زدن به اعتصاب متحدانه ای بود که ۶۱ روز یعنی از ۱۵ آبان تا آخرین روز حکومت ازهارای بطول انجامید. این یک تودهنی بزرگ به دولت ازهارای بود و نشان از این داشت که حکومت به هیچ وجه حریف مردم نمیشود و انقلاب بدون هیچ توقفی به حرکت پرشتاب خود ادامه میدهد. همزمانی اعتصاب و تظاهرات که البته با صدها شکل دیگر اعتراض همراه بود، رژیم را کاملاً مستاصل کرده بود.

ازهارای در کنار تهدید و کشتار و سرکوب، شروع به دستگیری تعدادی از بلندپایه ترین مقامات حکومت کرد تا با ارباب و امتیاز مردم را به خانه بفرستد. ارتشبد نصیری رئیس سابق سازمان امنیت و گارد سلطنتی، منوچهر آزمون وزیر سابق

مشاور، وزیر سابق کار و استاندار فارس، ولیان نایبالتولیه آستان قدس رضوی و وزیر سابق امور روستاها، داریوش همایون وزیر پیشین اطلاعات و جهانگردی و مدیر روزنامه آیندگان، سپهبد جعفرقلی صدری رئیس سابق شهرستانی، غلامرضا نیک پی سناتور و شهردار سابق تهران و وزیر سابق مشاور و آبادانی و مسکن و تعداد دیگری از وزرا و مقامات سابق از جمله دستگیر شدگان بودند. اما این اقدامات نیز انقلاب را شعله ورتر میساخت. مردم قدرت خود را بوضوح میدیدند و خواهان سرنگونی شاه و پایان دادن به کل سلطنت پهلوی و خفقان و تبعیض و فساد و محرومیت بودند.

روز سی ام آبانماه، کارگران صنعت نفت اهواز، یک اعتصاب گسترده را آغاز کردند. در طول اعتصاب، کارگران هر روز در جلوی ساختمان مرکزی شرکت نفت تجمع میکردند، اخبار اعتصاب سایر قسمتهای شرکت نفت در شهرهای دیگر را میخواندند و سخنرانیهای پر شور ایراد میکردند. در این تجمعات پیامهای همبستگی کارکنان اعتصابی بانکها، مخاربات، دارایی، توانیر، صنایع فولاد و همچنین استادان، دانشجویان و غیره به اطلاع حاضرین میرسید. با شروع اعتصاب در اهواز کمیته اعتصاب نیز تشکیل شده بود. طبق گزارشی ۶۰ نماینده از قسمتهای مختلف شبکه تولید انتخاب شده بودند تا هم خواسته های قسمت خود را مطرح کنند و هم تصمیمات گرفته شده برای ادامه اعتصاب را به قسمتهای خود منتقل کنند. همین کمیته اعتصاب بود که قطع صدور نفت را طرح ریخت و اجرای آنرا رهبری کرد.

اعتصابات وسیع کارگران مراکز صنعتی و کارکنان ادارات در ماههای آذر، دی و بهمن باز هم گسترش بیشتری یافت. اعتصاب کارکنان نفت، تاثیر خود را بر بسیاری دیگر از مراکز تولید گذاشته بود. حمل و نقل نیز بخاطر کمبود سوخت مختل شده بود. ذوب آهن اصفهان، کارخانه تولید آهن و ذوب آهن گازی ایران بعنوان مراکز مهم بدلیل عدم حمل ذغال سنگ از

شاهرود و سنگرود و کرمان و یا نبود گاز از کار افتاده بودند و روزانه حتی یک کیلو آهن تولید نمیشد. اعتصاب در بنادر و گمرکات هم از جمله اعتصابات مهم بود که مانع رسیدن مواد اولیه و قطعات یدکی به کارخانه ها میشد. کشتی ها در بنادر صف کشیده بودند اما کالاها تخلیه نمیشد. میلیون ها تن کالا در گمرکات خوابیده بود. این فاکتورها به نوبه خود به توقف تولید در بسیاری از کارخانه ها انجامید. اغلب کارخانه های بزرگ به این خاطر تعطیل شده و یا تولیدشان به حداقل رسیده بود. چند هفته بعد حتی خودروهای ارتش هم دچار کمبود سوخت شدند و کشتی حامل سوخت از خارج بدلیل اعتصاب گمرکات نتوانست به داد آنها برسد.

اعتصاب سیستم بانکی و پولی را هم مختل کرده بود و در نیمه اول دیماه کاملاً بهم ریخت. چک ها و سفته ها وصول نمیشد، موجودی بانک ها ته کشیده بود و حتی چک های با مبلغ کم در بعضی بانک ها وصول نمیشد. از طرف دیگر با آتش زدن تعداد زیادی از بانکها در سطح کشور دفاتر آمار از بین رفته بود و آمار واقعی در بانک ها نبود. این وضعیت به نوبه خود بر اقتصاد جامعه تاثیر میگذاشت و همه چیز را مختل میکرد. در چنین وضعیتی دولت موفق به پرداخت حقوق آذرماه به برخی از کارمندان دولت نشد.

در دیماه کارگران و کارکنان راه آهن، کشتیرانی ها، شرکت ملی ذوب مس با هزاران کارگر و صدها مرکز دیگر دست به اعتصاب زدند. در تهران کارگران سیمان و برخی دیگر از مراکز بزرگ کارگری با پلاکاردهای خود دست به راهپیمایی میزدند و هزاران نفر به آنها میپیوستند و آنها را همراهی میکردند. هرچه جلوتر میرفتیم وزن طبقه کارگر بیشتر میشد و فضای تهران و شهرستانها بیشتر به چپ متمایل میشد. معلمان و دانش آموزان که اعتصابات خود را از ماهها قبل شروع کرده بودند اکنون سازمان یافته تر به میدان می آمدند. گرایش مسلط بر این بخش جامعه نیز چپ بود. بطور کلی در مراکز کار و تولید اعم از کارگری یا کارمندی و

صفحه ۹

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

جایگاه اعتصاب عمومی در ...

از صفحه ۸

مدارس و دانشگاه‌ها چپ‌ها دست بالا داشتند به همین دلیل در قطعنامه هایشان و در شعارها و خواست هایشان که نمونه هائی از آنها را دیدیم کمتر رنگ اسلامی دیده میشود.

خنثی کردن این نیروی چپ در این مقطع به مهمترین مشغله جریان اسلامی تبدیل شد. خمینی و شرکا که در این ماهها جای پای خود را محکم تر کرده بودند به تکاپو افتادند تا فکری به حال این مساله بکنند. این نیروئی بود با خواست هائی آزادیخواهانه و فضا را کاملا قطبی کرده بود. در اوایل آبان به دستور خمینی هیئتی تحت سرپرستی مهدی بازرگان با همراهی رفسنجانی، صباغیان، کتیرائی و حسینی راهی خوزستان شدند تا با کارکنان نفت مذاکره کنند. در ظاهر امر هدف این ماموریت تشویق کارکنان نفت به راه اندازی پالایشگاه و توزیع نفت به اندازه مصارف داخلی بود اما اساس مساله کنترل اعتصاب و خارج کردن امر رهبری از دست کارگران و کارکنان نفت و برای بیعت گرفتن با خمینی بود. و این نقطه عطف مهمی در جلوگیری از روند چپ شدن انقلاب و شکست انقلاب بود. اعتصاب نفت در این مقطع مهمترین پایگاه اجتماعی و سیاسی چپ به حساب میامد و در حالیکه کمونیست‌ها و رهبران رادیکال نفت باید در خفا جلسه میگرفتند و تا آخرین روزهای حکومت شاه نیز تحت پیگرد بودند، اینها با هلی کوپتر ارتش و آزادانه به اهواز و آبادان خارك و گچساران سفر کردند و در معیت ماموران حکومت نظامی مذاکرات با نفتگران اعتصابی را شروع کردند. در واقع در تمام دوران حکومت شاه در حالیکه کمونیست‌ها را بخاطر يك بحث دو نفره به سالها زندان محکوم میکردند و تحت بدترین شکنجه‌ها قرار میدادند، اما شبکه مساجد و محافل اسلامی که به منظور اهداف ارتجاعی مقابله با بهائی‌ها یا به منظور ترویج اسلام و غیره تشکیل میشد علیرغم اینکه بعضا بوی مخالفت هائی با حکومت میداد آزادی عمل بیشتری داشتند. رهبران جبهه ملی و نهضت آزادی نیز هرچند

کمونیست‌های شریف و انقلابی را بعنوان ساواکی به مردم معرفی کردند. رهبران اسلامی به ارتش قول داده بودند که مانع شعارهای ضد حکومتی و مشخصا شعار مرگ بر شاه بشوند و آنها هم کاری به تظاهرات نداشته باشند. این در حالی بود که انقلاب توازن قوا را برای شعارهای تندتر و در هم شکستن حکومت کاملا آماده کرده بود. در چنین فضائی کمونیست‌ها که تمایلات انقلابی مردم را نمایندگی میکردند به سرعت شروع به رشد کردند. حتی روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن نیز که قیام شروع شده بود خمینی و طالقانی مردم را از قیام برحذر داشتند اما کسی به آنها گوش نداد. در این مقطع حمله به زنان بی حجاب نیز توسط دستجات سازمان یافته اسلامی شروع شده بود. هرجا دستشان میرسید زنان بی حجاب را مورد تهدید و اذیت و آزار قرار میدادند و تهدید به پاشیدن اسید به صورت آنها میکردند و در مقابل نامه‌ها و قطعنامه‌های متعددی توسط دانشگاهیان علیه حمله به زنان صادر شد. اما این قطعنامه‌ها پراکنده بود و در سطح کشور انعکاس زیادی نداشت. اینجا نیز کمبود يك ستاد رهبری انقلاب که با اعمال جنایتکارانه اسلامی‌ها مقابله کند به شدت حس میشد.

نهایتا و چهار هفته پس از فرار شاه و با قیام مردم حکومت پهلوی برای همیشه به زیاله دان تاریخ پیوست و علیرغم اینکه خمینی و طالقانی بعنوان مهمترین شخصیت‌های جریان اسلامی با قیام مخالفت کردند اما مردم انقلابی با همراهی وسیع کمونیست‌ها دست به قیام زدند. همزمان رهبران اسلامی با قره باغی رئیس ستاد ارتش و ژنرال هویز مامور ویژه دولت آمریکا که برای انتقال آرام قدرت به خمینی و شرکا در تهران به سر میبرد، مشغول مذاکره بودند تا ارگان‌های سرکوب هرچه کمتر متلاشی شود و ارتش از هم نباشد، تا جریان اسلامی به کمک همین ارگانهای سرکوب، حکومتش را شروع کند و سر و سامان دهد. موج بعدی اعتصابات بدنبال سرنگونی حکومت شاه شروع شد اما اینبار توسط اسلامی‌ها مورد پورش قرار گرفت. کارگران نفت برای

شکنجه زندانیان بیمار و عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان دیگری بر علیه زندانیان سیاسی

طبق تماسهایی از زندانهای متعدد با کمیته بین المللی علیه اعدام، رفتار وحشیانه حکومت اسلامی در مقابل زندانیان بیمار يك مسئله مهم است که باید با عکس العمل و اعتراضی جهانی روبرو شود. زندانیان مبتلا به بیماری سرطان بدون درمان رها شده اند. زندانیانی که از بیماریهای مزمن همچون دیابت، فشار خون و یا دیسک کمر رنج میبرند بدون کمترین امکانات درمانی و بدون دارو در زندانها رنج میکشند. بسیاری از زندانیان کهنسال احتیاج فوری به عمل جراحی دارند و زندانبانان حکومت اسلامی هیچ توجهی به این موضوع نمیکند.

زانیار و لقمان احتیاج فوری به طبق خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، زانیار از ناراحتی مزمن کلیه و مثانه و دردهای شدید قفسه سینه رنج میبرد. او در اثر شکنجه‌های وحشیانه در یکسال قبل، ناراحتی مثانه دارد و در هفته گذشته در اثر عود کردن این بیماری خون ادرار میکند. زانیار که چند دنده اش بر اثر شکنجه شکسته است، اکنون دردهای شدید قفسه

مطالباتشان از جمله کاهش ساعت کار دست به اعتصابات وسیعی زدند اما دیگر یکپارچه نبودند و رژیم اسلامی اهرم‌های سرکوبش را به جان آنها انداخت و تشکل هایشان را در هم شکست. تظاهرات دهها هزار نفره زنان درست سه هفته پس از قیام صورت گرفت اما اینبار توسط اوباش اسلامی مورد حمله قرار گرفت. دانشگاهها در سراسر کشور اعتصاب را ادامه دادند اما اینبار توسط حکومتی که ماموریت اصلی اش سرکوب انقلاب و به شکست کشاندن آن بود به خونین ترن نحوی سرکوب شد.

میتوان با همین اخبار و فاکتها بروشنی مشاهده کرد که مهمترین درس انقلاب ۵۷ و اعتصابات عظیم کارگران، معلمان و کارکنان زحمتکش ادارات و همینطور مهمترین درس انقلاب ۸۸ برای نسل امروز این است که طبقه کارگر و مردم آزادیخواه به حزب و برنامه و چشم انداز متفاوتی نیاز دارند تا بتوانند خود را از شر دیکتاتوری اسلامی و سرکوب و زندان و فقر و استثمار خلاص کنند.*

لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود

از "يك دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری

زنده باد سوسیالیسم!

فاشیسم جمهوری اسلامی و ...

از صفحه ۱

دهند. ماموران مهاجرین افغان را وادار می کنند تا با دست به سر خود و سایر هم بندهای خود بکوبند و در همان حال تکرار کنند "ما دیگر به ایران نمی آئیم". ماموران با فرمان انجام حرکات "بشین، پاشو" به شکنجه زندانیان ادامه می دهند. سیاست فاشیستی جمهوری اسلامی در مورد مهاجرین افغان تازگی ندارد. میلیون ها مهاجر افغان که سال ها در ایران زندگی و کار کرده و بسیاری از آنها در ایران متولد شده و افغانستان را ندیده اند، از کمترین حقوق اجتماعی برخوردار نیستند. دست اندرکاران حکومت اسلامی در حالی که ریاکارانه از "مهمان نوازی" و "شفقت اسلامی" خود در مورد مهاجران افغان سخن می گویند از زشت ترین توهین ها و شنیع ترین رفتار ها در مورد آنها رویگردان نیستند. طی سالهای گذشته تاکنون شمار زیادی از مهاجران افغانستانی توسط این حکومت اعدام شده و به قتل رسیده اند. روزنامه جوان وابسته به سپاه پاسداران در تاریخ اول آبانماه امسال گزارشی منتشر کرده بود که علیرغم تمام تلاش آن برای بزرگ کردن چهره جمهوری اسلامی خود نمونه ای از رفتار حکومت نسبت به مهاجرین افغانستانی است. گزارش با نقل قول کودکی آغاز می شود که دو سال از تحصیل محروم شده، امسال ۲۵۰ هزار تومان داده تا ثبت نام شود ولی هنوز در لیست دانش آموزان قرار نگرفته است. پس از این مثال نویسنده گزارش وقیحانه درباره مهمان نوازی، مهربانی و انسان دوستی داد سخن می دهد. سپس نداشتن امکانات و بودجه دولت را موجب محروم شدن کودکان افغان از بسیاری امکانات و حقوق اولیه مانند تحصیل و تبدیل آنها به "کارگران ساختمانی" و در نهایت جذب آنها به "مشاغل غیر قانونی و بزهکارانه"، نتیجه گیری می کند. چون "امکانات و فرصت شغلی و تحصیلی در وهله اول حق یک شهروند ایرانی است و اعطای آن به این مهمانان ۳۰ ساله در اولویت نیست". منطق اسلامی اجازه نمی دهد که نویسنده گزارش سوال کند که چرا این مهمانان پس از ۳۰ سال در جایی که کار و زندگی کرده، بخش زیادی از عمر زندگی خود را در آنجا گذرانده و حتی در آنجا بدنیا آمده اند، از حق

شهروندی برخوردار نیستند؟ چنین حقی که از بدیهی ترین حقوق انسانی در جهان متمدن است، با قوانین کثیف اسلامی کاملاً بیگانه است و نمی تواند در ذهن نویسنده روزنامه "جوان" یگنجد. این گزارش آمار مهاجران افغان را سه میلیون نفر برآورد می کند که یک میلیون نفر "مجاز" و دو میلیون نفر بصورت "غیر مجاز" زندگی می کنند. در ادامه از موانع و فشارهای جمهوری اسلامی در مورد افغان ها می خوانیم. انسدادهای مرزها، ممنوعیت اشتغال، اعلام زمان خروج افغان ها از کشور، تهیه کارت خروج یک ساله و گرفتن تعهد برای خروج از کشور پس از یک سال. گزارش از اقدام رثوفانه و انسانی، حمایت از مهاجران افغان و فراهم کردن زندگی قانونی برای آنها سخن می گوید و سپس به آمار مراجعه می کند که در سال ۸۹ نزدیک به دو میلیون فرصت شغلی در کشور توسط "اتباع بیگانه" اشغال شده است. به زبان ساده تر یعنی در بین سه میلیون مهاجر افغان، تمام افراد قادر به کار و حتی کودکان، نیز مشغول به کار بوده اند. میزان استثمار و بی حقوقی کارگران افغان را می توان در گزارش روزنامه جوان خواند: "بسیاری از این فرصت ها در کارگاه ها و کارخانه های صنعتی است که صاحبان آنها ترجیح می دهند به جای به کارگیری کارگر بومی که باید طبق قانون وزارت کار به آنها حقوق مشخص پرداخت کنند و تمام خدمات دیگر مانند بیمه، درمان، از کار افتادگی و ... را در قبال آنها متعهد شوند، از کارگران کم هزینه و تابع و همیشه قانع افغانی استفاده کنند". گزارش ادامه می دهد: "بسیاری از این کارگران حاضرند بدون حقوق به عنوان سرایدار ساختمان ها کار کنند تا هم سرپناهی داشته باشند و هم کارفرما بدون پرداخت هزینه ای یک سرایدار داشته باشد".

دردسری هستند، پی برده اند و به شکل قرار دادی یا با واسطه پیمانکار، آنها را به کار می گیرند. روزنامه جوان در وصف کارگر افغان می نویسد: "آنها به اندازه ۱۰ کارگر ایرانی کار می کنند، هیچ وقت اعتراض نمی کنند، دنبال حقوق نجومی، بیمه، خدمات تکمیلی و ماده تبصره های وزارت کار هم نیستند. کارگر افغانی یعنی یک فرصت طلایی برای کارفرمایانی که حوصله دردسر ندارند". مطابق یک شیوه شناخته شده فاشیستی تلاش می شود که "کارگر افغان" موجب فقر و فلاکت و بیکاری "کارگر ایرانی" نشان داده شود. و در طول گزارش چندین بار یادآوری می شود که آنها "فرصت های شغلی را از هموطنان ایرانی گرفته اند". اما کارگر ایرانی نیز به نوبه خود "مجرم" است. کارگر ایرانی به دنبال "حقوق نجومی"، بیمه، خدمات تکمیلی و تبصره های وزارت کار است. و این سرمایه داران نیستند که کارگر ایرانی را مورد استثمار قرار می دهند، حقوق او را چندین برابر زیر خط فقر تعیین کرده و حتی از پرداخت آنهم خودداری می کنند. او را بخاطر درخواست حقوق خود، بخاطر ایجاد تشکل و بخاطر برگزاری اول مه زندانی و شکنجه می کنند. این میزان وقاحت را فقط می شود در جمهوری اسلامی و از نویسنده روزنامه وابسته به سپاه پاسداران دید. نویسنده گزارش مورد بحث فراموش نمی کند که "کارگر تابع، قانع، کم هزینه و پرکار" را در چند سطر بعد اشخاصی معرفی کند که در "باندهای مواد مخدر، زورگیری و سرقت" شرکت داشته و "غیر قانونی وارد کشور ما می شوند، می مانند، نمی روند و با ترغیبشان امکانات ما را می بلعند. چون هموطن نیستند، دلشان نمی سوزد و هر کاری که فکرش را بکنید از آنها بر می آید" و حکم صادر می کند: "بهتر است برگردند به سرزمین و خانه و زندگی خودشان در افغانستان". در همین شماره روزنامه جوان و بعنوان مقدمه ای بر این گزارش، فردی بنام "پریا خدای زاده" احساسات فاشیستی خود را چنین بیرون می ریزد: آنها هیچ وقت برادر ما نمی شوند. هیچ وقت حتی گوشه ای از قلبمان را در کنار آن همه مهربانی و گذشته پر افتخار نمی گیرند." او از افغانی

هایی نام می برد که "به راحتی سر آدم ها را می برند، دزدی می کنند، بچه ها را می دزدند و هیچ وقت دلشان برای ما نمی سوزد چون هموطن نیستند. سال هاست امکانات و درآمد ما را می بلعند و چرا همه دست روی دست گذاشته اند و هیچ کس آنها را بیرون نمی کند و عجیب تر اینکه هیچ کس نمی داند چرا با آن همه بیوگرافی خاکستری، کارفرماهای ما دست و پا می شکنند برای داشتن یک کارگر افغانی!"

در کنار این گزارش مصاحبه ای با محمود احمدی بی غش، عضو فراکسیون امنیت مجلس اسلامی، می خوانیم. این مصاحبه با عنوان "دوراهی عاطفه و امنیت"، چاپ شده اما با خواندن آن بجز وقاحت و شقاوت چیزی پیدا نمی کنیم. از مغز این عضو مجلس اسلامی هم جز نظرات ضد بشری چیزی ترواش نمی کند. او در باره "مهاجران غیر مجاز و در عین حال مدعی" صحبت می کند که "به راحتی در کشور ما زندگی می کنند، بدون اینکه تعلق به اینجا داشته باشند." و ادامه می دهد: "سرشان را انداخته اند پائین و با خیال راحت به ایران آمده و در اینجا زندگی می کنند، به راحتی جرم و جنایت انجام می دهند و سپس از اینجا فرار می کنند." کسی که از کشور خودش فرار کرده هیچ تعهدی به کشور ما هم نخواهد داشت. خیلی از آنها به دنبال این

هستند که همسر و فرزند خود را بر گردن دولت ایران بیندازند و از کشور بروند".

این تبلیغات کثیف بر علیه کارگران افغان که به شدید ترین و غیر انسانی ترین شیوه ها مورد استثمار قرار می گیرند، از طرف سرداران سپاه، آیت اله های میلیاردر و کسانی است که گزارش دزدی های میلیاردی آنها هر روز منتشر می شود و شرح کاخ ها و ثروت های افسانه ای آنها افشا شده است. کسانی که نامشان با "کهریزک"، تجاوز، شکنجه، اعدام و سنگسار صدها هزار نفر همراه است. در حالی که خود به بی حقوقی و استثمار وحشیانه کارگران افغان اعتراف می کنند، آنها را مورد حملات و اتهامات کثیف فاشیستی و ضد انسانی خود قرار می دهند.

کارگران و کلیه مهاجران افغان باید از تمام حقوق شهروندی برخوردار شوند، حق تشکل، بیمه بیکاری و حق بازنشستگی داشته باشند به فرزندان آنها بایستی حق تحصیل رایگان داده شود. آنها باید بتوانند آزادانه به افغانستان تردد کنند و خود محل زندگیشان را انتخاب نمایند. دفاع از مهاجران افغان بخشی از مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی است. میلیونها مهاجر افغان که صدمات جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی را بر پیکر خود دارند بخشی از نیروی عظیمی هستند که بنیان جمهوری اسلامی را برخواهد کند.*

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ساپتا در تهران

به گزارش ویلاگ کارگران نیروگاههای ایران روز شنبه ۲۹ بهمن ماه کارگران شرکت مهندسی و ساخت پستهای فشار قوی و صنعتی ساپتا در اعتراض به پرداخت نشدن

دستمزدهای معوقه خود در داخل ساختمان شرکت واقع در خیابان خرمشهر در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. کارگران این شرکت ۳ الی ۱۱ ماه دستمزد دریافت نکرده اند.

تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

L.K.K , Box: 2110 , 127 02 Skärholmen - Sweden

دفتر مرکزی

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

انترناسیونال

را بخوانید و وسیعاً تکثیر و پخش کنید

اطلاعیه شماره ۴۲

رضا شهابی به جای مرخصی پزشکی از بیمارستان به زندان اوین انتقال یافت



بازگردانده شد. به گفته پزشکان رضا شهابی باید فوراً نیاز به حداقل سه ماه استراحت و فیزیوتراپی روزانه و کنترل پزشکان متخصص دارد تا برای عمل جراحی آمادگی لازم را پیدا کند. اما بدنبال انجام نگرفتن عمل جراحی رضا شهابی مقامات قضایی جمهوری اسلامی، مقامات بیمارستان را تحت فشار گذاشتند که هر چه زوتر شهابی را ترخیص کنند تا به زندان برگردانده شود. رضا شهابی در حالی به زندان برده شد که از نظر جسمانی در شرایط وخیم و بسیار خطرناکی به سر میبرد و مطابق آخرین بررسیها علاوه بر دیسک گردن، دیسک کمر نیز دارد. جمهوری اسلامی در قبال جان رضا شهابی و همه زندانیان سیاسی

بنا بر گزارشهای منتشر شده، جانین اسلامی روز ۲۵ بهمن رضا شهابی عضو هیات مدیره سنیدیکای شرکت واحد را که بنا به تشخیص تیم پزشکی بیمارستان لازم بود به مدت سه ماه در منزل استراحت مطلق کند تا آمادگی لازم برای عمل جراحی را کسب نماید، به زندان انتقال داده و اکنون خانواده و دوستان و همبندی های رضا شهابی بخاطر خطر فلج شدن او نگران وضعیت وی هستند. به گزارش کمیته دفاع از رضا شهابی، رضا ظهر روز سه شنبه ۱۱ بهمن جهت عمل دیسک گردن به اتاق عمل برده شد، اما بدلیل عدم آمادگی جسمانی ساعتی بعد دوباره به بخش

منیژه صادقی فعال کارگری و حقوق زنان از زندان سنندج آزاد شد

منیژه صادقی قبل از گرفتن حکم زندان یکبار دستگیر شده بود و بنا به اعتراضی که به پرونده او شده بود بازداشت او معلق ماند اما

بنا به خبر دریافتی روز سه شنبه ۲ اسفند ماه منیژه صادقی فعال کارگری و فعال حقوق زنان با سپری کردن سه ماه و یک روز از حکمی که به وی داده شده بود از زندان سنندج



کمیته برای آزادی کارگران زندانی

شهرلا دانشفر
shahla_daneshfar@yahoo.com
00447779898968

بهرام سروش
bahram.soroush@gmail.com
0044-7852 338334
http://free-them-now.blogspot.com/p/



زندان سنندج آزاد شد. علاوه بر این مردم دسته دسته برای دیدار با او به منزلش رفتند و آزادی او را تبریک گفتند. کمیته کردستان حزب آزادی منیژه صادقی را به او و خانواده اش صمیمانه تبریک می گوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، ۲ اسفند ۹۰

دو روز اکیون فیسبوی در اعتراض به احکام اعدام بر علیه سعید ملک پور، شیرکو معارفی، زانیار و لقمان مرادی و یوسف ندرخانی

گسترده بین المللی و اعمال فشار به حکومت اسلامی ایران میتوان جلوی این جنایات را گرفت. با همکاری و مراجعه فعال به این صفحه و ارسال نامه اعتراضی ضمیمه صدای اعتراض این عزیزان باشید. ما نباید بگذاریم سعید ملک پور، شیرکو معارفی، یوسف ندرخانی و زانیار و لقمان مرادی را اعدام کنند. اعتراض و مبارزه. متحدانه ما میتوان جان این انسانهای در بند را نجات دهد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی ۲۲/۰۲/۲۰۱۲

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با نگرانی شدید به اجرای احکام اعدام بر علیه سعید ملک پور، شیرکو معارفی، زانیار و لقمان مرادی و یوسف ندرخانی کشیش مسیحی برای اعتراض به این عمل وحشیانه و غیر انسانی و برای جلوگیری از این اقدام زبونانه از تاریخ چهارشنبه و پنجشنبه ۲۲ و ۲۳ فوریه ۲۰۱۲ به مدت دو روز اقدام به اکیون اعتراضی فیسبوی برای بسیج افکار عمومی نموده و معتقد است که تنها با اعتراضات

سیستم گرمایشی زندان نیز در این مجموعه کم و فرسوده است. بازداشت مهر داد امین وزیری فعال کارگری در سنندج بنا به گزارشی که از سنندج منتشر شده است، ساعت ۱۱ صبح روز سه شنبه ۲۵ بهمن، مهر داد امین وزیری فعال کارگری و عضو

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری در محل کارش در سنندج بازداشت شد. وی به ستاد خیری اداره اطلاعات رژیم در این شهر منتقل و کامپیوتر و دوربین شخصیش نیز توسط افراد رژیم ضبط گردید. علت بازداشت وی مشخص نشده است.

شاهرخ زمانی و محمد جراحی به بند مالی منتقل شدند

به دنبال اعتراضات و شکایتهای مکرر شاهرخ زمانی و محمد جراحی یکشنبه ۲۳ بهمن آنها از بند قرظینه به بند مالی انتقال داده شدند. منتها وضعیت در بند مالی نیز بسیار ناهنجار است از جمله چهار نفر یک پتو برای گرم کردن خود دارند و

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی پالایشگاه آبادان

داخل ساختمان دفتر مرکزی رساندند. نیروهای انتظامی و حراست مرکزی پالایشگاه به کارگران معترض حمله نموده و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. تعدادی از کارگران توسط مأموران رژیم دستگیر و روانه پاسگاه نیروی انتظامی رژیم گردیدند. کارگران معترض با شعار دادن به تجمع اعتراضی خویش ادامه دادند. روزانه دهها تن از این کارگران در مقابل درب اصلی پالایشگاه و یا دفتر مرکزی آن تجمع اعتراضی برپا کرده و خواستار برگشت به کار و تأمین شغلی مناسب برای خود می باشند.

پافشاری میکردند. ماموران نیروی انتظامی همراه با ماموران حراست مرکزی پالایشگاه به صف اعتراضی کارگران حمله ور شدند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند. کارگران درگیر شده و شماری از آنها بازداشت شدند. روز ۲۹ بهمن نیز تعداد ۱۳۰ نفر از این کارگران در مقابل دفتر مرکزی این پالایشگاه تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران در واکنش به بی توجهی مقامات رژیم و عدم رسیدگی به مشکلاتشان، اعتراض خود را شدت بخشیده و نرده های اطراف و موانع ایجاد شده توسط نیروی انتظامی را درهم شکسته و خود را به

از ساعات اولیه صبح روز چهارشنبه ۲۶ بهمن ماه شمار زیادی از کارگران اخراجی و بیکار پالایشگاه آبادان همراه با دهها تن از کارگران شاغل در فاز ۳ این پالایشگاه در مقابل دفتر مرکزی پالایشگاه اقدام به برپایی تجمع اعتراضی نمودند. کارگران اخراجی و بیکار خواستار رفتن به سر کار و کارگران شاغل در فاز ۳ خواستار پرداخت ۶ ماه دستمزدهای معوقه خود شدند. کارگران همصدا ضمن اعتراض به وضعیت نابسامان زندگی و معیشت خود با سردادن شعارهایی از جمله "مرگ بر سرمایه دار" بر خواستههایشان

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی

www.iranpoliticalprisoners.com
http://cfppi.blogspot.com

تماس:
Sarvar Kardar
freepoliticalprisoners@gmail.com
tel: +47 (0) 4133 3268

سخنگو: شیوا محبوبی

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



زحمتکش و کم درآمد جامعه بالا می‌رود. فقط به خاطر اعتراض نیم بندی که به وضعیت موجود دارد.

مسئله دیگری که ذهن مرا مشغول می‌کند انقلاب در کشور های غربی است. حزب ما از تجارب آن به نفع مبارزه مردم در ایران استفاده کند. باید آنها مورد بررسی قرار دهد و از آن درس بگیرد که چگونه تجارب آنها در ایران را بکار ببندد. و مانع از انحراف انقلاب مردم توسط جریان‌های مذهبی شود.

مسئله دیگر ساخت سلاحهای اتمی در ایران است. که حزب باید روی آن فوکوس کند و موضعگیری و تبلیغ کند. حتما حزب در تلویزیون و نشریات در مورد آنها صحبت میکند و احتمالا من زیاد در جریان متون فارسی نیستم. چون همیشه در صدر اخبار است و دارند صحبت از وقوع جنگ بین ایران و اروپا و

انتظارات جوانترین نماینده ...

از صفحه ۱

میتوان دید. حتی اگر اخبار تلویزیونها را نگاه کنی به این نتیجه میرسی که گردانندگان کنونی جوامع بی‌اقتد و راهی برای برون رفت از وضعیت بحران کنونی اقتصادی ندارند. به اعتراضات مردم و جوانان در کشورهایی مثل یونان و مصر و اسپانیا و ایران که نگاه میکنی بسیار واضح است که تغییرات مثبتی در جریان است. در هلند که من در آن زندگی میکنم تا چند سال پیش احزاب راست و راسیستی بر متن نارضایتی مردم بوجود آمده و رشد میکردند، ولی امروز فرق کرده است. در اینجا یک حزب سوسیالیستی وجود دارد. هر چند لنگان لنگان و خیلی کند است ولی هر روز مردم بیشتری را به دور خود جمع میکند و اعتبارش نزد مردم

بابک: من فکر میکنم که باید اتفاقاتی که در دنیای پیرامونی ما در جریان است را دید و پاپای آن جلو رفت. متأسفانه من زبان فارسی خوب بلد نیستم و نمیتوانم اخبار و مسائل روز را به زبان فارسی تعقیب کنم و از این نظر هم از خیلی مواضع حزب محروم هستم. اینها را فقط زمانی باخبر میشوم که مثلاً در جلسات یا گردهمایی‌های خانوادگی و جشنها در مورد آنها بحث و صحبت میشود. آنجاست که متوجه میشوم که حزب چکار میکند و در چه جهتی به پیش می‌رود. اما کلاً فکر نمی‌کنم مسائل حزب جدا از اتفاقات و رویدادهایی که در دنیا در جریان است باشد. ما امروز با اتفاقات مهمی روبرو هستیم. به چپ چرخیدن مردم در جامعه را به وضوح

آن انتظار می‌رود که آماده‌تر از قبل به این مسائل بپردازد و جامعه ایران را از دوران حساس امروزی و جنگی که احتمالاً به مردم ایران تحمیل شود نجات دهد.*

امریکا میکنند. و این خیلی خطرناک است. همانطوری که گفتم اینها مسائل گریه امروزی که زندگی مردم در ایران هم به آنها بستگی دارد. حزب ما حزب بزرگ و معتبری است و از

کارگری از همه شما دعوت میکنند تا در مارش‌هایی زن در شهرهای مختلف جهان که امسال بویژه رنگ همبستگی با مبارزات قهرمانانه زنان در مصر و تونس و ایران را دارد، فعالانه شرکت کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰۱۲ فوریه

هشت مارس امسال فرصتی است تا توجه جهان را بیش از پیش به تلاش و مبارزه زنان و مردان آزادیخواه در ایران بر علیه جمهوری اسلامی و بر علیه فقر و فلاکت و شرایط مخاطره آمیز ناشی از تحریم های اقتصادی و تهدیدات جنگی جلب کنیم.

تشکیلات خارج حزب کمونیست

هشت مارس با پرچم افراشته تو رهایی جامعه از راه میرسد!

است. جهان، بدون آزادی زن، جهانی آزاد نیست و بدون پایان دادن به هرگونه تبعیض اقتصادی و سیاسی علیه زنان در هر لفاغه ای اعم از مذهبی و ملی و مردسالارانه، و بدون سرنگون کردن حکومت‌هایی نظیر جمهوری اسلامی ایران، روی آرامش نخواهد دید!

مردم، انسانهای شریف و برابری طلب!

در هر کجا که برایتان ممکن است، همراه با هزاران انسان آزادیخواه هشت مارس امسال را به صحنه پرشور مبارزه برای رهایی زن و بویژه اعلام تنفر از حکومت‌های اسلامی و قوانین زن ستیزشان بدل کنید. خیابانها چشم انتظار حضور گسترده ما هستند!

تا تل آویو، زنان و دختران در صف مقدم اعتراض علیه دیکتاتوری بانگها و حکومت یک درصدی‌ها قرار دارند.

هشت مارس امسال با جدال سرنوشت ساز جاری علیه دیکتاتوریه‌ها، مردسالاری و ارتجاع و عقب ماندگی و با جنبش ۹۹ درصدی‌ها علیه سرمایه داری عجین شده و به خیابان خواهد آمد! رودرویی آشکار برای پایان دادن به وضع غیر قابل تحمل موجود که سرمایه داری به بشریت تحمیل کرده، در حال گسترش است و مبارزه برای رهایی زن و برابری انسانها از شورانگیزترین وجوه آن است. برای پایان دادن به آپارتاید جنسی، قوانین قرون وسطایی شریعه و ضد زن، جهان متدمن مصمم تر از هر وقت ایستاده

هشت مارس، روز جهانی زن، و خواست برابری طالبانه و آزادیخواهانه اش بیش از هر زمان دیگری تجلی عزم میلیونها انسان برای تغییر وضع موجود است. در هیچ دوره در تاریخ طولانی مبارزه برای رهایی زن - که "معیار رهایی جامعه است" - این مبارزه چنین در صدر دستور بشریت برای آزادی نبوده است. انقلاب "نان و کرامت انسانی" با مبارزه برای رهایی زن و قهرمانانی نظیر "ندا آقا سلطان" ها و "علیا المهدی" ها در تونس، مصر، ایران و غیره گره خورده است. مبارزه زنان برای برابری و رهایی یک منبع سرشار بجلو سوق دادن انقلاب و تداوم آن در خاورمیانه و شمال آفریقا است. در "جنبش اشغال" و جنبش های ضد سرمایه داری در غرب نیز از نیویورک

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه پارسیلون خرم آباد

اخبار ۲۰ میلیارد تومان تسهیلات برای احیاء کارخانه اختصاص یافته اما اداره کل نساجی های کشور مخالف پرداخت این مبلغ است و در این دعوا این کارگرانند که پاسکاری میشوند. کارگران دستمزدهایشان را می‌خواهند.

روز ۱ اسفند ۹۰ (۲۰ فوریه) ۵۱۰ کارگر کارخانه پارسیلون خرم آباد بزرگترین تولید کننده نخ در آسیا در اعتراض به بیش از ۱۲ ماه تعویق دستمزدهایشان در مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند. این کارخانه دارای ۲۵۰ کارگر رسمی و ۲۶۰ کارگر قرار دای است. بنا بر

بخش مستقیم کنگره حزب کمونیست کارگری ایران



۱۱۶۰۴ اف ای سی ۵/۶ افقی
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
روابط عمومی تلوزیون کانال جدید
۲۱ فوریه ۲۰۱۲ - ۲ اسفند ۱۳۹۰

www.newchannel.tv

همچنین دو ساعت پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید در شبکه هات برد طی این دو روز (۷ و ۸ اسفند) به مباحثات این کنگره اختصاص خواهد یافت. ساعات پخش برنامه کانال جدید در شبکه هات برد ۹ و نیم شب به وقت ایران - ۷ شب به وقت اروپای مرکزی است. کانال جدید در هات برد: فرانکس

هشتمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۵ و ۲۶ فوریه مستقیماً از طریق اینترنت پخش می‌گردد. شروع پخش برنامه مستقیم از طریق اینترنت ساعت ۹ صبح به وقت اروپای مرکزی است.

آدرس سایت تلویزیون کانال جدید: <http://>

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkhah@gmail.com

دستیار سردبیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!